

بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی^۱

زهرا کریمی موغاری | zakarimi@umz.ac.ir
استادیار اقتصاد، بخش اقتصاد دانشگاه مازندران

اسماعیل ابونوری | esmaiel.abounoori@gmail.com
استاد اقتصادسنجی و آمار اجتماعی، بخش اقتصاد
دانشگاه سمنان

هدی زبیری | h.zobeiri@umz.ac.ir
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، بخش اقتصاد
دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول مکاتبات)

دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۵ | پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۱۹

چکیده: انسجام اجتماعی شکلی از ارتباط است که نشان می‌دهد افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند، به قوانین موجود احترام می‌گذارند و تصمیم‌های راهبردی دولت، همواره به صورت پیش‌فرض، برگرفته از ذهن مردم و تجلی یافته در باورها و نهادهای مردمی است که چنین وضعیتی، توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها را به آحاد جامعه ایجاب می‌کند. بر اساس رویکرد نهادگرایان، تفاوت میزان انسجام اجتماعی، مهم‌ترین دلیل عملکرد متفاوت کشورها در خلق نهادهای کارآمد و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد. در پژوهش حاضر، شاخص انسجام اجتماعی در ۸۲ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه، با استفاده از سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها محاسبه شده و سپس اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی، برآورد گردیده است. برای رتبه‌بندی توسعه اقتصادی، از رهیافت تاکسونومی^۲ عددی و برای برآورد اثر انسجام اقتصادی بر توسعه اقتصادی از رگرسیون داده‌های مقطعی استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، توزیع فرصت‌ها، توسعه اقتصادی، تاکسونومی عددی

طبقه بندی JEL: O10, P36, E24

۱. مقاله حاضر، از رساله دکتری هدی زبیری با عنوان "بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی" در دانشگاه مازندران استخراج شده است.

2. Taxonomy

مقدمه

اندیشه توسعه به صورت یک رشته مستقل، پس از جنگ جهانی دوم و در طول سال‌های شکل‌گیری آن، دچار تحولات فراوانی شده است. به نظر نسل اول اندیشمندان توسعه و در چارچوب مکانیکی پارادایم نئوکلاسیک، غایت توسعه، افزایش درآمد سرانه واقعی و به تبع آن، قدرت خرید از طریق رشد تولید ناخالص ملی بود. از این‌رو، نسل مذکور، عامل پیشرفت جوامع در حال توسعه را سرمایه‌گذاری فیزیکی و افزایش ظرفیت‌های تولید می‌دانست (Meier, 2001). اما شواهد تجربی نشان داد که نتایج مطلوبی از سرمایه‌گذاری‌ها در جریان برنامه‌های توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم حاصل نشد.

نسل دوم اندیشمندان توسعه، به‌طور دقیق‌تر الزام‌های تحول اقتصادی و توسعه را مورد بررسی قرار دادند و به تدریج، به مسائلی فراتر از تولید ناخالص ملی، مانند توانایی‌های فردی، بهداشت و آموزش و نقش سرمایه انسانی در توسعه توجه کردند. اما این نظریه‌ها نیز قادر نبود تفاوت میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به خوبی تبیین کند، زیرا با وجود تشخیص ریشه‌های درد، در انتخاب روش‌های درمان که همان نگاه از بالا به پایین بود و به‌طور مشخص از پارادایم نئوکلاسیک تغذیه می‌شد، دچار اشتباه شدند و به‌طور طبیعی، نتایج مطلوب حاصل نشد و با وجود میلیاردها دلار کمک و ساعت‌های بسیار زیاد مشاوره، اکثر کشورها قادر نبوده‌اند که به پیشرفت اجتماعی و رشد پایداری دست یابند (Meier, 2005).

بدین ترتیب، نگرش سوم توسعه در دو دهه گذشته در حوزه‌های علمی و در سطح سیاست‌گذاری و عملیاتی شکل گرفته است که در آن، نهادها و ترتیبات اجتماعی که مدت‌ها از آن‌ها غفلت شده بود، و تحت عنوان کلی مفروضات یا شرایط ثابت، از آنها یاد می‌شد، مورد توجه قرار گرفت (Coase, 1992). همچنین توجه به سرمایه اجتماعی، زمینه خوبی بود تا اثر ارزش‌ها، هنجارها و سایر عوامل غیراقتصادی بر عملکرد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، انتشار کتاب داگلاس نورث^۱ با عنوان "نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی" در سال ۱۹۹۰، گام مهمی برای بررسی تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی بود. همگام با این تحول، اعطای جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲ به رونالد کوز و در سال ۱۹۹۳ به داگلاس نورث، سبب توجه بیش از پیش به اثر نهادها بر رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی گردید. در هزاره سوم، تعداد فزاینده‌ای از اندیشمندان از جمله باردهان^۲

1. Douglass North
2. Bardhan

(۱۹۸۹)، رودریک^۱ (۱۹۹۹)، آسم اوغلو، جانسون و رابینسون^۲ (۲۰۰۱)، ایسترلی^۳ (۲۰۰۶)، گریف^۴ (۲۰۰۶)، آلگان و کاهوک^۵ (۲۰۰۷)، فرونی^۶ و همکاران (۲۰۰۸)، شرلی^۷ (۲۰۰۸) و نورث^۸ و همکاران (۲۰۰۹) برای تبیین دلایل رشد و توسعه اقتصادی کشورها، به عملکرد نهادهای اجتماعی آنها توجه کردند. وجود جامعه منسجم، اعتماد و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی کاهش‌دهنده عدم اطمینان و اداره‌کننده تقابل‌های اجتماعی و مواردی از این قبیل، همگی ترتیبات اجتماعی هستند که اقتصاددانان معمولاً آنها را داده شده فرض می‌کنند، در حالی که فقدان آنها در کشورهای در حال توسعه، کاملاً آشکار است. در نتیجه در شرایط فقدان انسجام اجتماعی و نهادهای مناسب در کشورهای مذکور، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نتایج مطلوبی ایجاد نمی‌کنند.

از این‌رو، رویکرد نهادی بر اساس فرایند شکل‌گیری واقعیت نتیجه می‌گیرد که برای تغییر واقعیت توسعه‌نیافتگی، تحلیل باید از سطح جامعه آغاز گردد و به بررسی تأثیر متقابل ترتیبات اجتماعی، نهادها و تأثیرشان بر عملکرد اقتصادی بپردازد (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۷). در عین حال، با توجه به ماهیت پژوهش‌های نهادی و به دلیل دشواری و محدودیت جمع‌آوری اطلاعات کمی دقیق درباره شاخص‌های کیفی حول محور انسان، تعاملات و رفتارهای فردی و جمعی انسان، پژوهش‌های اندکی درباره این موضوع انجام شده است و فقدان این نوع از پژوهش‌ها در ادبیات اقتصادی، کاملاً محسوس است.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، همراه با گسترش و پیشرفت فناوری اطلاعات، برخی مراکز معتبر بین‌المللی به انتشار برخی از شاخص‌های کیفی بین‌کشوری پرداخته‌اند، هدف پژوهش حاضر، ترکیب دو مفهوم اقتصاد و اجتماع و ریشه‌یابی توسعه اقتصادی از کانال انسجام اجتماعی به صورت کمی است. بدین‌منظور پس از بیان مقدمه فوق، مفهوم انسجام اجتماعی و اهمیت آن در عملکرد اقتصادی، تحلیل و بررسی می‌شود. سپس، در بخش سوم، مرور کوتاه پژوهش‌های پیشین درباره این موضوع انجام می‌شود. بخش چهارم به برآورد شاخص انسجام اجتماعی، رتبه‌بندی توسعه اقتصادی با روش تاکسونومی عددی و در نهایت، برآورد همبستگی و اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی ۸۲ کشور مورد بررسی اختصاص می‌یابد. در پایان، نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

1. Rodrik
2. Acemoglu, Johnson, Robinson
3. Easterly
4. Grief
5. Algan and Cahuc
6. Ferroni
7. Shirley
8. North

مرور ادبیات پژوهش

انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی

مفهوم "انسجام اجتماعی"^۱ قدمتی طولانی در ادبیات جامعه‌شناسی دارد و اولین بار توسط دورکیم^۲ جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد. پرسش اساسی مطرح درباره انسجام اجتماعی این بود که چه چیز و چگونه باعث می‌شود با وجود رقابت دائم بین افراد برای دستیابی به منابع کمیاب در یک جامعه، آنها با صلح و سازش در کنار یکدیگر زندگی کنند (Cope & et. Al, 1995).

از آغاز قرن ۱۹، همراه با هر تغییر اجتماعی شدیدی که باعث تزلزل در تشابهات و اشتراکات و بازسازی مصالحه و سازش‌های گذشته (و برنامه‌ها و سیاست‌های تدوین شده آن) می‌شد، مراکز پژوهشی و سیاست‌گذاری، شروع به طرح مباحثی درباره کنترل تضاد و خشونت و رقابت با سایر نظریه‌های موجود درباره شکل‌گیری نظم و انسجام اجتماعی می‌کردند. پارسونز^۳، وبر^۴ و توکویل^۵ از دیگر جامعه‌شناسانی بودند که نظریه‌های مهمی را درباره نظم و انسجام اجتماعی مطرح کردند (جنسون^۶، ۱۹۹۸). با این همه، انسجام اجتماعی تعریف دقیقی ندارد، به‌ویژه اینکه در کشورها و مناطق مختلف، از معنای متفاوتی برخوردار است. در کشورهای توسعه‌یافته، بحث‌های مربوط به انسجام اجتماعی، برای تداوم بخشیدن به جامعه‌ای فراگیر به منظور مقاومت در برابر شوک‌های خارجی و آثار منفی اقتصاد جهانی است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، مفهوم انسجام اجتماعی بیشتر در قالب تجدید و تحول ساختار نهادی به کار می‌رود (Easterly, 2006). در عین حال، به عنوان یک تعریف جامع و کلی، می‌توان انسجام اجتماعی را روح اجتماعی در فرایند توسعه دانست که شرط لازم را برای جامعه فراهم می‌کند تا از حداکثر توان تولیدی خویش استفاده کند. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی تعیین‌کننده چگونگی بهم‌پیوستگی یک اقتصاد است و منجر به تعامل متقابل و حس تعلق و یکپارچگی در جامعه می‌شود (Maloutas and Pantelidou, 2004; Easterly, 2006; Ferroni & et. al, 2008). همان‌گونه که در ریاضی، برآیند بردارهای هم‌جهت، برابر با مجموع بردارها می‌شود، اما برآیند بردارهای خلاف جهت، یکدیگر را خنثی می‌کند، در جامعه

1. Social Cohesion
2. Durkheim
3. Parsons
- 4 Weber
5. Tocqueville
6. Jensen

نیز اگر انسجام اجتماعی و هماهنگی وجود نداشته باشد، نیروها و سرمایه‌ها هدر می‌رود و تضادهای موجود، سبب خنثی شدن تلاش‌ها برای اصلاحات و تسریع آهنگ رشد و غلبه بر توسعه‌نیافتگی می‌گردد، به‌گونه‌ای که با وجود تلاش‌های فردی، توسعه اقتصادی حاصل نمی‌شود. بر این اساس، انسجام اجتماعی تضمین اجرای درست و مؤثر برنامه‌های راهبردی^۱ دولت‌ها است. به بیان دیگر، انسجام اجتماعی شکلی از ارتباط است که نشان می‌دهد افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند، به قوانین موجود احترام می‌گذارند و تصمیم‌های راهبردی دولت^۲ همواره به‌صورت پیش‌فرض، برگرفته از ذهن مردم^۳ و تجلی یافته در باورها و نهادهای مردمی است که چنین امری، توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها را به آحاد جامعه ایجاب می‌کند. همین امر سبب می‌گردد که کشورهای با انسجام اجتماعی بیشتر، فقیر و غنی را در هزینه‌ها و فواید تغییرات شریک کنند و بدین‌طریق، به شکلی مناسب‌تر از کشورهای فاقد انسجام اجتماعی (که هزینه‌ها را بر دوش فقرا و فواید را نصیب ثروتمندان می‌کند) رفاه را در جامعه گسترش دهند.

وجود رشد آرام و مستمر در جوامعی که دسترسی آزاد به امکانات و فرصت‌های^۴ اقتصادی و اجتماعی برای همه اقشار جامعه وجود دارد، نیز بیانگر این واقعیت است که توسعه اقتصادی، حاصل رشد سریع‌تر نیست، بلکه حاصل نظم و انسجام اجتماعی در جامعه است که امکان بهره‌گیری همگان را از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و در نتیجه توانایی بیشتر در مدیریت هزینه‌ها و فواید ناشی از تغییرات ناگهانی و شدید را در آن جامعه، از طریق خلق ایده‌های جدید و کارآمد و دور انداختن ایده‌های نامناسب فراهم کرده است (North & et. al, 2009). در واقع، انسجام اجتماعی تضمین می‌کند که افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک) برسند، از قوانین و قواعد جامعه تبعیت کنند، به استفاده از امکانات آن بپردازند و در مقابل توانایی‌های خویش را بازشناسی و پرورش و در اختیار جامعه قرار دهند که به نوبه خود، توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را پدید می‌آورد. در چنین فضایی زمینه‌های مساعد برای پذیرش اندیشه‌های نو و بکارگیری و آزمون آنها، پذیرش تفکر علمی، توجه بیشتر به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حول محور بهره‌وری و کارایی فراهم می‌شود (Sen, 1999; North, 2005). همه

1. Court Order
2. Dejure
3. Defacto
4. Open access order

معیارهای مذکور، با رشد و توسعه اقتصادی همراهی مثبت دارند.

برای محاسبه کمی میزان انسجام اجتماعی، پژوهشگران مختلف، بر یک یا چند جنبه انسجام اجتماعی تأکید کرده‌اند. چان^۱ و همکاران (۲۰۰۳) انسجام اجتماعی را از طریق میزان اعتماد افراد جامعه به یکدیگر، میزان کمک و همیاری افراد جامعه به یکدیگر و نیز شدت احساس تعلق افراد به جامعه، مورد محاسبه قرار دادند. ریمر و ویکنسون^۲ (۲۰۰۳) و ایسترلی^۳ (۲۰۰۶) برای برآورد انسجام اجتماعی، به میزان توانایی همکاری افراد جامعه با یکدیگر و قدرت تشکل‌های اجتماعی تأکید کردند. گروه پژوهشی سیاستی دولت کانادا، انسجام اجتماعی را دارای پنج بعد به شرح زیر معرفی کرده است:

۱. احساس تعلق - انزوا^۴ که بیانگر وجود یا نبود ارزش‌ها، هویت مشترک و حس تعهد به جامعه است.
۲. محرومیت و برخوردی^۵ که بیانگر برابری یا نابرابری در دسترسی به فرصت‌هاست.
۳. مشارکت - عدم مشارکت^۶.

۴. پذیرش - عدم پذیرش^۷ که بیانگر قبول تفاوت‌ها و احترام به آنها در جوامع چندمذهبی یا چندحزبی است.

۵. قانون‌مداری - عدم پایبندی به قانون که با توانایی و عملکرد نهادها در جامعه مرتبط است (Jensen, 1998).

اکنور^۸ (۱۹۹۸) انسجام اجتماعی را متشکل از سه بعد دانسته است؛

- ۱- ارزش‌ها، فرهنگ و هویت مشترک؛
 - ۲- نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و تقسیمات قومی، مذهبی، جغرافیایی؛
 - ۳- شبکه‌های ارتباطی و زیربنایها؛
- در تلاش برای بیان جامع و محاسبه‌پذیر مفهوم انسجام اجتماعی، برگر - اشمیتز^۹ (۲۰۰۰) انسجام اجتماعی را متشکل از دو مؤلفه دانسته است. مؤلفه اول، سرمایه اجتماعی و مؤلفه دوم، نابرابری در توزیع فرصت‌ها است.

۱- سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عادات اجتماعی و قواعد رفتاری است که مناسبات

- 1 Chan
2. Reimer and Wilkinson
3. Easterly
4. Belonging- Isolation
5. Inclusion-Exclusion
6. Participation- Non-involvement
7. Recognition- Rejection
8. O'Connor
9. Berger-Schmitt

اجتماعی بین افراد را شکل می‌دهد و زمینه را برای همکاری، مشارکت و تعاون، به‌منظور ایجاد منافع جمعی و در نتیجه، ارتقای انسجام اجتماعی فراهم می‌کند.

۲- نابرابری در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، که موجب افزایش تعداد افراد محروم و به حاشیه رانده شده در جوامع می‌گردد و پیامد محتوم و اجتناب‌ناپذیر آن، محدود شدن شبکه روابط اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی، ایجاد انزوای اجتماعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی، و به عبارت دیگر، کاهش انسجام اجتماعی، یا ممانعت از شکل‌گیری آن است.

در حقیقت، ارتباط بسیار نزدیکی بین انسجام اجتماعی و محرومیت اجتماعی وجود دارد و می‌توان آن را دو روی یک سکه دانست. زیرا محرومیت ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، از یک طرف باعث از بین رفتن هنجارهای اصلی^۱ در جامعه می‌شود^۲ و از طرف دیگر، موجب عدم مشارکت و کناره‌گیری از زندگی اجتماعی و سیاسی این قشر از افراد و القای نوعی حس بی‌ارزش بودن و محترم شمرده نشدن می‌شود. در نتیجه، این قشر از افراد محروم، حس تعلق به جامعه خود ندارند و خود را بخشی از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نمی‌دانند که در نهایت، از هم گسیختگی جامعه و تضعیف انسجام اجتماعی را پدید می‌آورد (Sen, 1985; Avaramov, 2000; Eric, 2011).

بدین ترتیب، انسجام اجتماعی نتیجه تعامل پویا و متقابل سرمایه اجتماعی و نیز نابرابری و محرومیت است. برای مثال، کاهش فقر و در نتیجه، دسترسی بهتر افراد به تغذیه مناسب، می‌تواند از یک طرف منجر به افزایش امکان تحصیل در قشر فقیر جامعه و در نتیجه افزایش بهره‌وری و امکان دسترسی به درآمدهای بالاتر، کاهش شکاف طبقاتی و کاهش نابرابری در توزیع فرصت‌ها و در نتیجه افزایش انسجام اجتماعی گردد. همچنین هرچه توزیع ثروت و دارایی از منظر افراد یک جامعه، عادلانه‌تر به نظر آید، میزان همبستگی اجتماعی و پایبندی افراد به داشتن جامعه‌ای سالم بیشتر خواهد بود. علاوه بر این، کاهش فقر می‌تواند موجب افزایش قابلیت و توانایی افراد در حوزه‌های مختلف و در نتیجه، افزایش مشارکت و حضور فعال در جامعه شود. همچنین افزایش سطح آموزش‌های عمومی و سلامت فکری و جسمی افراد، بر میزان پایبندی آنان به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد و مجموع عوامل مذکور، موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابری و به تبع آن، افزایش انسجام اجتماعی می‌گردد (Oxoby, 2009 & Toth, 2011).

اگر ساختار اجتماعی در جامعه به گونه‌ای باشد که عدم همکاری، موجب کسب منفعت برای افراد گردد، عاملان اقتصادی بر اساس فرض رفتار نهادی (یادگیری) می‌آموزند که در جهت عدم مشارکت،

1. Mainstream norms

۲. برای مثال، ارتکاب جرم و استفاده از مواد مخدر می‌تواند به هنجارهای یک جامعه درگیر فقر تبدیل شود.

حرکت کنند و بی‌اعتمادی، به فرهنگ و باور تبدیل می‌گردد. هرگونه سیاست‌گذاری اقتصادی، بدون توجه به باورها و مدل‌های ذهنی، بی‌ثمر است و فقط موجب افزایش هزینه‌های مبادلاتی اجرای سیاست‌ها می‌گردد (North, 2005). در مقابل، افزایش انسجام اجتماعی، باعث کاهش عدم اطمینان در سیاست‌ها، کاهش نوسان‌های اقتصادی و افزایش امنیت‌داری‌های فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود که به نوبه خود، موجب افزایش ظرفیت جامعه برای گسترش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و پذیرش فناوری‌های جدید می‌گردد (Turok, 2006). افزایش انسجام اجتماعی همچنین می‌تواند در کارایی بیشتر نهادهای دولتی و سیاست‌گذاری دولت منعکس شود. جامعه قابل اعتمادتر و منسجم‌تر، نهادهای عمومی کارآمدتری دارد، زیرا نهادهای مذکور توسط سطوح بالاتری از مشارکت سیاسی و مشارکت مردمی شکل می‌گیرد و از شفافیت و پاسخگویی بیشتری برخوردار است. در حقیقت، با افزایش اعتماد افراد به دولت، حمایت از دولت، برای مثال با پرداخت مالیات، خود باعث افزایش کارایی دولت و در نتیجه، کارایی نظام اقتصادی می‌گردد. جوامع چندپاره و غیرمنسجم که سطوح پایین اعتماد و تقسیمات داخلی را دارا هستند، بیشتر در معرض و مستعد رفتارهای رانت‌جویانه‌ای قرار می‌گیرند که به دنبال تمرکز بر منافع گروه مشخصی هستند، نه منافع مشترک و نیز عدم پاسخگویی و در نتیجه عدم کنترل بر رفتارهای فرصت‌طلبانه (Easterly, 2006; Ferroni & et. al, 2008; Woolcock, 2011). انسجام اجتماعی در هر جامعه، هم حاصل اقدامات و تصمیم‌های سیاستی جوامع در یک یا چند حوزه است و هم کیفیت و چگونگی اقدامات و تنظیمات سیاستی در هر جامعه‌ای، برخاسته از میزان انسجام اجتماعی در آن جامعه است. بدین ترتیب، در بررسی انسجام اجتماعی و فرایند تغییر آن در هر جامعه‌ای، توجه به وابستگی متقابل^۱ همه متغیرها در کل فرایند تغییرات که ناشی از وجود علل چرخه‌ای^۲ در نظام اجتماعی است، ضرورت دارد. زیرا متغیرهای موجود در نظام، دارای آثار متقابل بر یکدیگر هستند. به این معنی که چنانچه هر یک از متغیرهای مذکور تغییر کند، سایر متغیرها نیز در واکنش به آن تغییر می‌کند و این تغییر ثانویه نیز خود عامل تغییر در سایر متغیرها و کل نظام می‌شود. حتی می‌تواند به تغییر عامل اولیه‌ای که منجر به شروع این تغییرات شده است، بیانجامد و دور جدیدی از تغییرات چرخه‌ای را ایجاد کند. بنابراین هر تغییری در یکی از متغیرهای مذکور می‌تواند کل نظام را دچار تغییرات اساسی کند^۳. نکته دیگر این است که پویایی تغییرات در نظام فوق، آثار تجمعی^۴ دارد،

1. Interdependence
2. Circular Causation
3. Every things causes every things
4. Cumulative Effects

زیرا غالباً تغییراتی که در واکنش به تغییر اولیه در نظام ایجاد می‌شود، در جهت همان تغییر اولیه است و فرایند حرکت را در یک مسیر به صورت تجمعی تشکیل می‌دهد. به گونه‌ای که پس از مدتی، از طریق مشاهده بازخورد تغییرات اولیه در واکنش به یک یا چند وضعیت، قابل شناسایی نیست. در حقیقت، تغییرات در نظام اجتماعی، فرایندی پیچیده، تدریجی و بطئی - و نه گسسته - است. از این رو، کسب دانش دقیق و برآورد کمی ضرایب روابط متقابل^۱، به ندرت میسر است. این مسئله حتی در کشورهای توسعه‌یافته، با وجود نظام‌های کارآمد جمع‌آوری اطلاعات و محاسبه‌های دقیق و نسبتاً کامل شرایط و متغیرهای اجتماعی، تا حدود زیادی صحت دارد، اما این مسئله به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، کاملاً صادق است (Myrdal, 1974).

از این رو، گرچه پژوهش حاضر، در تحلیل و ریشه‌یابی توسعه اقتصادی، به دنبال گسترش ابعاد تحلیل اقتصادی، حذف فروض غیرواقعی و ساختن چارچوبی برای تحلیل کمی شرایط واقعی در پژوهش‌های تجربی است، اما با توجه به توضیحات فوق، دانش و شناخت ما درباره متغیرهای اجتماعی و روابط متقابل آن‌ها، غیردقیق و محدود است. در عین حال، نهادگرایان استفاده از این دانش محدود، به منظور وارد کردن متغیرهای غیراقتصادی و نزدیک شدن به تحلیل‌های واقعی از توسعه اقتصادی کشورها را بهتر از رها کردن آن و پذیرش فروض ساده‌ساز اقتصاد مرسوم در تحلیل‌های اقتصادی دانسته‌اند (Myrdal, 1978).

پژوهش‌های پیشین در ایران

در بین بررسی‌های داخلی، پژوهشی وجود ندارد که به‌طور مشخص، رابطه بین انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار داده باشد. اما در این قسمت، پژوهش‌های نزدیک به این موضوع، به‌طور مختصر مرور می‌شود:

سوری (۱۳۸۳) به برآورد سرمایه اجتماعی در ایران بر اساس کارکرد آن پرداخته و نشان داده است که کمبود سرمایه اجتماعی، موجب افزایش جرایم و تخلفات می‌شود. وی سپس آثار آن را بر دو متغیر مهم رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی کرده است. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش مذکور، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای مثبت و کاملاً معنی‌دار با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد.

علمی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نظری مفهوم سرمایه اجتماعی و راه‌های تأثیر آن بر عملکرد

اقتصادی پرداخته‌اند. آنها اصلی‌ترین کانال تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی را بر رشد اقتصادی، از طریق سرمایه‌گذاری می‌دانند. به این ترتیب که سرمایه اجتماعی با فراهم کردن محیطی آرام و باثبات به لحاظ اجتماعی و سیاسی، در وهله اول بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. سپس در مرحله بعد، تغییر ایجاد شده در سرمایه‌گذاری، بر رشد تأثیر می‌گذارد.

عطار (۱۳۸۸) به بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت با دستیابی یا عدم دستیابی یک جامعه به توسعه اقتصادی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که سرمایه اجتماعی فزاینده، جامعه مدنی مستحکم و دولت مدرن، قوی و مستحکم، سه ضلع مثلث توسعه است که ضعف یا تضعیف هر کدام از آن‌ها، توسعه‌نیافتگی را نهادینه می‌کند.

پژوهش‌های پیشین در سایر کشورها

برنر^۱ (۱۹۷۶) در پژوهش خود درباره گذار اروپا از فئودالیسم، به تحلیل تجربه‌های متضاد گذار در بخش‌های متفاوت اروپا (بین اروپای شرقی و غربی) بر حسب تغییر قدرت چانه‌زنی گروه‌های اجتماعی متفاوت یا به لحاظ تغییر نتایج تضادهای اجتماعی پرداخت. برنر نشان داد که گذار به میزان زیادی به انسجام زمینداران و کشاورزان به عنوان گروه‌های رقیب و به توانایی آنان برای مقاومت در برابر تجاوز به حقوق یکدیگر و به توانایی تشکیل ائتلاف با سایر گروه‌های جامعه بستگی دارد.

رودریک (۱۹۹۹) با بررسی اوضاع کلی رشد اقتصادی در دوره ۵۰ ساله ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ نشان داد که می‌توان دوره مذکور را به دو دوره ۱۹۷۵-۱۹۵۰ و ۲۰۰۰-۱۹۷۵ تقسیم کرد. دوره اول، دوره کامیابی بوده است که در آن همه راهکارها، منجر به کسب نتایج موفقیت‌آمیز شد و کشورهای فقیر و غنی، جوامع با ساختار باز یا بسته، کشورهای معتدل یا استوایی، وضعیت مناسبی به لحاظ توسعه داشتند. اما دوره بیست‌ساله ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۴، برای همه به جز بیره‌های آسیای جنوب‌شرقی و هندوستان، فاجعه‌بار بود و کشورهای در حال توسعه، با کاهش بیست‌ساله نرخ‌های رشد مواجه شدند. به اعتقاد وی، با اینکه دلایل رکود جهانی در دوره ۱۹۹۴-۱۹۷۴ کاملاً شناخته شده است، اما در بررسی نمونه‌ای بزرگ از کشورهایی که از بحران سال ۱۹۹۷ رهایی یافتند و آن‌هایی که دچار مشکلات زیادی شدند، شواهد محکمی یافت که بر اساس آن، واکنش به شوک‌های خارجی در کشورهایی که از اقوام متفاوت تشکیل شده است، نامناسب‌تر از کشورهایی بوده که از بافت اجتماعی منسجم و یکپارچه بهره‌مند بوده‌اند.

1. Bernner

ایسترلی (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان داد که یکی از مهم‌ترین موانع اصلاحات در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته این است که کشورهای مذکور، با محدودیت‌های اجتماعی عمده‌ای در اجرای اصلاحات مواجه هستند. این محدودیت‌ها - که ایسترلی آن را "فضا برای مانور دادن" می‌نامد - از طریق میزان انسجام اجتماعی در یک کشور ایجاد می‌شود. انسجام اجتماعی و فضا برای مانور، تعیین‌کننده کیفیت نهادها است که آن نیز به نوبه خود، نقش مهمی در انتخاب و اجرای طرح‌های توسعه‌ای، به نفع طبقه محروم و دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار دارد.

نورث و همکاران (۲۰۰۹) در کتاب *خشونت و ترتیبات اجتماعی* با بررسی رشد تولید سرانه ۱۸۴ کشور در دوره ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۴ نتیجه گرفتند که توسعه اقتصادی، نتیجه رشد سریع‌تر اقتصادی نیست، بلکه حاصل توانایی جامعه در مدیریت هزینه‌ها و فواید تغییرات شدید و ناگهانی از طریق سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه است. وی دلیل تفاوت توانایی کشورها در مدیریت هزینه‌ها و فواید را ناشی از تفاوت در ترتیبات اجتماعی این کشورها دانسته است.

دیکس^۱ و همکاران (۲۰۱۱) به برآورد و مقایسه انسجام اجتماعی در ۴۷ کشور اروپایی با روش MDS^۲ و CFA پرداخته‌اند. آنها انسجام اجتماعی را به لحاظ سیاسی و فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند و برای محاسبه کمی آن، از ترکیب شاخص اعتماد به نهادهای سیاسی و دولتی و شاخص مشارکت سیاسی با شاخص درجه اتحاد و شاخص مشارکت اجتماعی و فرهنگی استفاده کرده‌اند. سپس برای مقایسه کشورهای مذکور به لحاظ میزان انسجام اجتماعی، آن‌ها را به شش گروه اروپای شمالی، جنوبی، غربی، شرقی، ترکیه و شوروی سابق تقسیم کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کشورهای اروپای شمالی از بیشترین و ترکیه و شوروی سابق، از کم‌ترین میزان انسجام اجتماعی برخوردارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، تحلیلی درباره رابطه انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی کشورهاست. متغیر انسجام اجتماعی از تلفیق برخی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی ساخته شده است. متغیر توسعه اقتصادی با استفاده از رهیافت تاکسونومی عددی، رتبه بندی شده است. داده‌های پژوهش، مربوط به ۸۲ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه است که در سال ۲۰۱۰ گردآوری شده است. با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات و داده‌های کمی درباره فرایند جمعیتی تغییر و تحول انسجام اجتماعی در جوامع،

1. Dicks
2. Multidimensional Dissimilarity Scaling (MDS), Confirmatory Factor Analysis (CFA)

و نیز ملاحظات روش‌شناختی، در پژوهش حاضر با استناد به آخرین داده‌های کمی منتشر شده، فقط تصویر و برشی از وضعیت انسجام اجتماعی جوامع در سال ۲۰۱۰ ارائه شده است.

نکته‌ای دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که هر یک از داده‌های مرتبط با شاخص‌های اجتماعی مورد استفاده در پژوهش حاضر، فقط از یک مؤسسه اطلاعاتی جمع‌آوری شده است. از این‌رو، امکان وجود تورش در تهیه و انتشار داده‌های مذکور وجود دارد. زیرا همان‌طور که میردال (۱۹۷۸) بیان کرده است، پیش‌قضاوت‌های ارزشی، همواره وجود دارد. هیچ پژوهشی، بی‌طرف و به دور از پیش‌قضاوت‌های ارزشی نبوده است و هرگز نخواهد بود. زیرا قبل از هر پاسخ، ابتدا باید یک پرسش وجود داشته باشد. در پرسشی که مطرح می‌شود و دیدگاه و رویکردی که برای پاسخ به آن انتخاب می‌شود، ارزش‌ها وجود دارد و بر یافته‌ها و نتایج تأثیر می‌گذارد. همین امر، تأمل در تحلیل، استدلال، قضاوت و پیش‌بینی‌های حاصل شده را ایجاب می‌کند.

در ضمن، ماهیت نهادی پژوهش حاضر و متغیرهای مورد بررسی در آن به‌گونه‌ای است که حول محور انسان، تعاملات و رفتارهای فردی و جمعی انسان، متمرکز است که تحت کنش و واکنش متقابل با یکدیگر در طول زمان قرار دارد. از این‌رو، ماهیت موضوع پژوهش به‌گونه‌ای است که در معادلات خطی نمی‌گنجد و الگوی معرفی شده، فقط تجربیدی از واقعیت است. با توجه به محدودیت‌های مذکور، وجود تورش در یافته‌های مقاله حاضر، اجتناب‌ناپذیر است. در مقاله حاضر، کوشش شده است تا از روش علمی برای پردازش داده‌ها استفاده شود و هرگاه داده‌های جدیدی از منابع اطلاعاتی دیگری منتشر شود، می‌توان در این مدل وارد کرد و نتایج حاصل از آن را به پژوهش حاضر اضافه کرد.

شاخص انسجام اجتماعی

با استناد به پژوهش برگر - اشمیتز (۲۰۰۰) در بررسی حاضر، انسجام اجتماعی، شامل دو مؤلفه در نظر گرفته می‌شود؛ سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها. سرمایه اجتماعی بیشتر و نابرابری کمتر در توزیع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، منجر به انسجام اجتماعی بیشتر می‌شود.

برای محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی، از سه متغیر "میزان اعتماد به نهادهای دولتی"، "میزان

۱. شاخص اعتماد به نهادهای دولتی از طریق پاسخ نمونه آماری به پرسش زیر به دست آمده است: چقدر به هر یک از نهادهای دولتی «نظام قضایی»، «نهادهای مالی» و «رسانه‌های عمومی» اعتماد دارید؟ زیاد، متوسط، کم، هیچ

اعتماد افراد جامعه به یکدیگر^۱ و "پایبندی به قانون"^۲ استفاده شده است که بر ظرفیت همکاری و تعاون در جامعه در سطح خرد و کلان تأثیر می‌گذارد (Ferroni & et. al, 2008). داده‌های مربوط به شاخص‌های اعتماد به نهادهای دولتی و اعتماد افراد جامعه به یکدیگر، از منابع اطلاعاتی "موسسه لگاتوم"^۳ و "نظرسنجی گالوپ"^۴ و داده‌های مربوط به پایبندی به قانون از منبع اطلاعاتی "سازمان بهداشت جهانی/ سوانح رانندگی"^۵ جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و استاندارد کردن آنها در دامنه صفر و یک بر مبنای فرمول^۶ $\{(x - \min(x)) / (\max(x) - \min(x))\}$ ، شاخص سرمایه اجتماعی با استفاده از میانگین سه متغیر فوق به دست آمد.

برای محاسبه شاخص توزیع فرصت‌ها، از چهار متغیر "شیوع فقر"^۷، "ضریب جینی درآمد"^۸، "اندازه طبقه متوسط"^۹ و "ضریب جینی تحصیلات"^{۱۰} استفاده شده است که بیانگر تفاوت‌ها در توانمندی و قابلیت افراد جامعه در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی است (Ferroni & et. al, 2008). شاخص‌های شیوع فقر و ضریب جینی درآمد، از "گزارش‌های توسعه انسانی"^{۱۱} و "شاخص توسعه جهانی"^{۱۲} استخراج شده است. شاخص اندازه طبقه متوسط با استفاده از داده‌های دهک‌های درآمدی موجود در "بانک جهانی" بدست آمده است، بدین ترتیب که سهم ۶۰ درصد میانی جمعیت از درآمد برآورد شده است (Chun, 2010). شاخص ضریب جینی تحصیلات، با استفاده از داده‌های بانک جهانی و فرمول زیر محاسبه گردیده است (Thomas & et. al, 2001):

$$E_L = (1/\mu) \sum_{i=2}^n \sum_{j=1}^{i-1} p_i |y_i - y_j| p_j$$

که در آن E_L ضریب جینی تحصیلات، μ متوسط سال‌های تحصیل در هر کشور، P_i و P_j نسبت

۱. شاخص میزان اعتماد افراد جامعه به یکدیگر از طریق پاسخ نمونه آماری به پرسش زیر محاسبه شده است:

آیا به نظر شما اکثریت مردم قابل اعتمادند یا این که به هیچکس نمی‌توان اعتماد کرد؟

۲. برای محاسبه شاخص پایبندی به قانون، میزان وقوع تخلفات در رانندگی (میزان مرگ و میر در حوادث رانندگی) در هر کشور را به کار برده‌ایم. در اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است برای محاسبه شاخص پایبندی به قانون، از جرایمی مانند دزدی، خشونت و تجاوز استفاده شده است. در پژوهش حاضر، با توجه به اینکه قشر وسیعی از همه طبقات جامعه در هر کشور، همه روزه با رانندگی و قوانین آن سروکار دارند، میزان رعایت یا عدم رعایت قوانین رانندگی، شاخص پایبندی افراد یک جامعه به قوانین محسوب شده است.

3. Legatum Institute

4. Gallup World Poll

5. World Health Organization/Road traffic injuries

6. Minimum and maximum theoretical values of each variable

۷. درصد جمعیت زیر خط فقر در هر کشور

۸. شاخص‌های ضریب جینی و شیوع فقر از آخرین داده‌های موجود در سال ۲۰۱۰ استخراج شده است.

9. Human Development Reports (HDR)

10. World Development Indicator (WDI)

جمعیت تحصیل کرده در هر مقطع تحصیلی، Y_i و Y تعداد سال‌های تحصیل در هر مقطع تحصیلی و n تعداد دسته‌بندی تحصیلی است که در پژوهش حاضر، بر اساس بررسی بارو و لی^{۱۱} (۱۹۹۱) به هفت دسته تقسیم شده است: فاقد تحصیلات یا بی‌سواد، تحصیلات ابتدایی ناتمام، تحصیلات کامل ابتدایی، تحصیلات راهنمایی ناتمام، تحصیلات کامل راهنمایی، تحصیلات دبیرستان ناتمام، تحصیلات کامل دبیرستان.

$$E_L = (1/\mu)[p_2(y_2 - y_1)p_1 + p_3(y_3 - y_1)p_1 + p_3(y_3 - y_2)p_2 + \dots + p_7(y_7 - y_1)p_1 + p_7(y_7 - y_2)p_2 + p_7(y_7 - y_3)p_3 + p_7(y_7 - y_4)p_4 + p_7(y_7 - y_5)p_5 + p_7(y_7 - y_6)p_6]$$

P_1 نسبت جمعیت بی‌سواد یا فاقد تحصیلات

P_2 نسبت جمعیت دارای تحصیلات ابتدایی ناتمام

P_7 نسبت جمعیت دارای تحصیلات کامل دبیرستان

Y_1 سال‌های تحصیل برای جمعیت فاقد تحصیلات = ۰

Y_2 سال‌های تحصیل برای جمعیت دارای تحصیلات ابتدایی ناتمام

Y_7 سال‌های تحصیل برای جمعیت دارای تحصیلات کامل دبیرستان

به منظور محاسبه سال‌های تحصیل در هر یک از هفت دسته مذکور، با روش زیر عمل می‌شود:

$$y_1 = 0 \quad \text{فاقد تحصیل (بی‌سواد)}$$

$$y_2 = y_1 + 0.5C_p = 0.5C_p \quad \text{تحصیلات ابتدایی ناتمام}$$

$$y_3 = y_1 + C_p = C_p \quad \text{تحصیلات کامل ابتدایی}$$

$$y_4 = y_3 + 0.5C_s = C_p + 0.5C_s \quad \text{تحصیلات راهنمایی ناتمام}$$

$$y_5 = y_3 + C_s = C_p + C_s \quad \text{تحصیلات کامل راهنمایی}$$

$$y_6 = y_5 + 0.5C_t = C_p + C_s + 0.5C_t \quad \text{تحصیلات دبیرستان ناتمام}$$

$$y_7 = y_5 + C_t = C_p + C_s + C_t \quad \text{تحصیلات کامل دبیرستان}$$

به‌گونه‌ای که

C_p سال‌های تحصیل کامل در مقطع ابتدایی

C_s سال‌های تحصیل کامل در مقطع راهنمایی

C_t سال‌های تحصیل کامل در مقطع دبیرستان

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌های فوق و استاندارد کردن آن‌ها به مقادیر بین صفر و یک بر مبنای فرمول $\{(x - \min(x)) / (\max(x) - \min(x))\}$ ، شاخص توزیع فرصت‌ها از میانگین چهار شاخص "شیوع فقر"، "ضریب جینی درآمد"، "اندازه طبقه متوسط" و "ضریب جینی تحصیلات" بدست آمد^۱.

در نهایت، مقادیر نهایی شاخص سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها، عددی بین صفر و یک است که از ترکیب و میانگین آن‌ها، شاخص انسجام اجتماعی به دست آمد که مبنای تحلیل در پژوهش حاضر قرار گرفت (پیوست ۱).

در جدول (۱)، شاخص انسجام اجتماعی محاسبه شده برای ۸۲ کشور منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته همراه با رتبه آنها در سال ۲۰۱۰ ملاحظه می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نروژ با شاخص انسجام اجتماعی ۰/۷۹، منسجم‌ترین و بولیوی با شاخص انسجام ۰/۴۲ نامنسجم‌ترین کشور در میان ۸۲ کشور مورد بررسی است. در این میان، ایران با شاخص انسجام اجتماعی ۰/۵۳ در رتبه ۶۳ قرار گرفته است.

جدول (۱): رتبه شاخص انسجام اجتماعی کشورها

رتبه	انسجام اجتماعی	نام کشور	رتبه	انسجام اجتماعی	نام کشور
۴۳	۰/۵۶	تونس	۱	۰/۷۹	نروژ
۴۴	۰/۵۶	اندونزی	۲	۰/۷۴	دانمارک
۴۵	۰/۵۶	فیلیپین	۳	۰/۷۲	سوئد
۴۶	۰/۵۶	پرتغال	۴	۰/۷۱	فنلاند
۴۷	۰/۵۶	کرواسی	۵	۰/۷۰	هلند
۴۸	۰/۵۶	مالی	۶	۰/۷۰	سنگاپور
۴۹	۰/۵۵	آفریقای جنوبی	۷	۰/۷۰	چین
۵۰	۰/۵۵	یونان	۸	۰/۷۰	استرالیا
۵۱	۰/۵۵	اسلوانی	۹	۰/۶۹	کانادا
۵۲	۰/۵۵	تانزانیا	۱۰	۰/۶۸	سوئیس
۵۳	۰/۵۵	بلغارستان	۱۱	۰/۶۷	ایرلند
۵۴	۰/۵۴	لتونی	۱۲	۰/۶۷	ژاپن

۱. در محاسبه شاخص توزیع فرصت‌ها، متغیرهای شیوع فقر، ضریب جینی درآمد و ضریب جینی تحصیلات از عدد یک کسر شد تا مقادیر بالاتر هر یک از این متغیرها، بیانگر نابرابری کمتر در توزیع فرصت‌ها باشد.

رتبه	انسجام اجتماعی	نام کشور	رتبه	انسجام اجتماعی	نام کشور
۵۵	۰/۵۴	لیتوانی	۱۳	۰/۶۶	آلمان
۵۶	۰/۵۴	ونزوئلا	۱۴	۰/۶۵	انگلستان
۵۷	۰/۵۳	ایران	۱۵	۰/۶۵	اتریش
۵۸	۰/۵۳	آرژانتین	۱۶	۰/۶۴	ایالات متحده آمریکا
۵۹	۰/۵۳	سنگال	۱۷	۰/۶۴	ایسلند
۶۰	۰/۵۲	شیلی	۱۸	۰/۶۳	فرانسه
۶۱	۰/۵۲	برزیل	۱۹	۰/۶۳	لهستان
۶۲	۰/۵۲	کاستاریکا	۲۰	۰/۶۳	ستونیا
۶۳	۰/۵۲	کامبوج	۲۱	۰/۶۲	بلژیک
۶۴	۰/۵۲	اوگاندا	۲۲	۰/۶۲	مالزی
۶۵	۰/۵۲	مغولستان	۲۳	۰/۶۱	جمهوری چک
۶۶	۰/۵۱	پاناما	۲۴	۰/۶۱	مجارستان
۶۷	۰/۵۱	زامبیا	۲۵	۰/۶۰	اردن
۶۸	۰/۵۰	نامیبیا	۲۶	۰/۶۰	اوکراین
۶۹	۰/۵۰	جمهوری دمیتریکان	۲۷	۰/۵۹	هند
۷۰	۰/۵۰	مکزیک	۲۸	۰/۵۹	ایتالیا
۷۱	۰/۴۹	کامرون	۲۹	۰/۵۹	اروگوئه
۷۲	۰/۴۹	ال سالوادور	۳۰	۰/۵۹	اسپانیا
۷۳	۰/۴۸	پرو	۳۱	۰/۵۸	اسلواکی
۷۴	۰/۴۷	پاراگوئه	۳۲	۰/۵۸	مصر
۷۵	۰/۴۷	نیکاراگوئه	۳۳	۰/۵۸	ترکیه
۷۶	۰/۴۶	کلمبیا	۳۴	۰/۵۷	بنگلادش
۷۷	۰/۴۶	کنیا	۳۵	۰/۵۷	نیپال
۷۸	۰/۴۴	گواتمالا	۳۶	۰/۵۷	غنا
۷۹	۰/۴۴	اکوادور	۳۷	۰/۵۷	جامائیکا
۸۰	۰/۴۴	هندوراس	۳۸	۰/۵۷	روسیه
۸۱	۰/۴۳	موزامبیک	۳۹	۰/۵۷	ملدوا
۸۲	۰/۴۲	بولیوی	۴۰	۰/۵۷	سوریه
			۴۱	۰/۵۷	رومانی
			۴۲	۰/۵۷	پاکستان

* شاخص "انسجام اجتماعی" از ترکیب دو شاخص "سرمایه اجتماعی" و "توزیع فرصت‌ها" با استفاده از منابع اطلاعاتی "نظرسنجی گالوپ"، "موسسه لگاتوم"، "سازمان بهداشت جهانی"، "شاخص توسعه جهانی" و "گزارش توسعه انسانی" برآورد شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر، به پیوست (۱) مراجعه شود.

رتبه‌بندی توسعه اقتصادی با روش تاکسونومی عددی

رتبه‌بندی توسعه اقتصادی بر مبنای ترکیب پنج شاخص تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه، ثبات سیاسی و اجتماعی و با استفاده از روش تاکسونومی عددی برآورد گردید (Ferroni & et. al, ۲۰۰۸).

روش تاکسونومی عددی، از معتبرترین و بهترین روش‌های درجه‌بندی مناطق به لحاظ توسعه‌یافتگی است که اولین بار آدنسون^۱ در سال ۱۷۶۳، مطرح کرد و توسط گروهی از ریاضی‌دانان در سال ۱۹۵۰، بسط یافت. فن مذکور با استفاده از شاخص‌های گوناگون و طی مراحل نه‌گانه، به درجه‌بندی مناطق به لحاظ توسعه‌یافتگی می‌پردازد. در حقیقت روش رتبه‌بندی عددی، ابتدا متغیرها را استاندارد می‌کند. سپس با محاسبه فاصله هر کشور با سایر کشورها بر اساس کل متغیرها، شبیه‌ترین کشورها را با توجه به کوتاه‌ترین فاصله مشخص می‌کند. در مرحله بعد، کشورهای غیرهمگن را مشخص و آن‌ها را خارج می‌کند. در نهایت، با مشخص کردن مقادیر آرمانی، فاصله کشورهای همگن را از مقادیر آرمانی محاسبه و بر همین اساس، میزان توسعه‌یافتگی کشورها را مشخص می‌کند. رتبه‌بندی کشورها با توجه به این میزان توسعه‌یافتگی انجام می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶).

ذکر این نکته حائز اهمیت است که شاخص توسعه اقتصادی، عددی بین صفر و یک به دست می‌آید و هرچه عدد به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر کمتر بودن فاصله با مقدار آرمانی و بیشتر بودن توسعه اقتصادی آن کشور است. از این‌رو، به‌منظور تطبیق با شاخص انسجام اجتماعی (که عددی بین صفر و یک به دست آمده است و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر انسجام اجتماعی کمتر است)، مقادیر به دست آمده از روش تاکسونومی عددی را از عدد یک کسر می‌کند تا شاخص نهایی توسعه اقتصادی، هرچه به صفر نزدیک‌تر شود، رتبه پایین‌تری را به لحاظ توسعه اقتصادی نشان دهد.

نتایج رتبه‌بندی توسعه اقتصادی ۸۲ کشور منتخب در سال ۲۰۱۰، بر اساس پنج گروه شاخص‌های تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و ثبات سیاسی و اجتماعی، در جدول (۲) بیان شده است. سوئد با شاخص توسعه اقتصادی ۰/۹۴، رتبه اول و ونزوئلا با شاخص توسعه اقتصادی ۰/۱۲، رتبه آخر را در میان ۸۲ کشور مورد بررسی به لحاظ میزان توسعه اقتصادی دارد. در این میان ایران با شاخص توسعه اقتصادی ۰/۲۲، رتبه ۷۲ را به خود اختصاص داده است.

1. Anderson

جدول (۲): رتبه‌بندی توسعه اقتصادی کشورها با روش تاکسونومی عددی

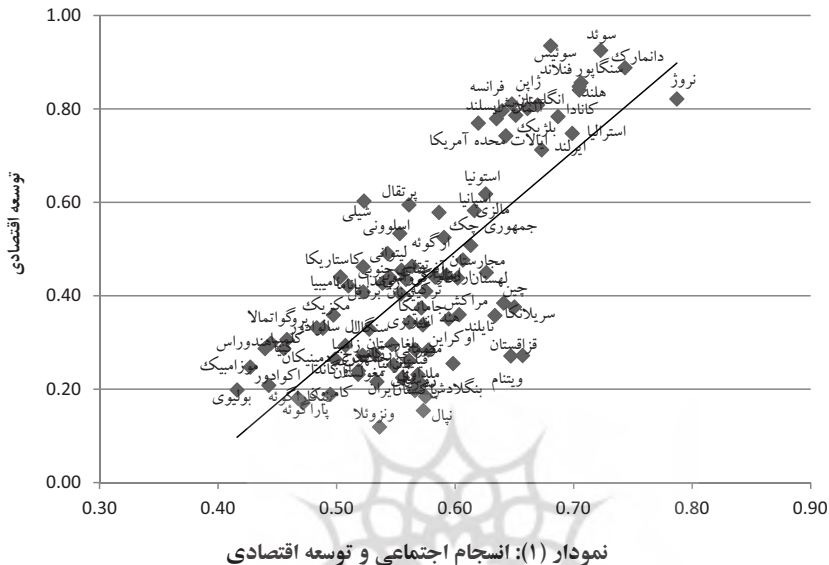
رتبه	شاخص توسعه اقتصادی	نام کشور	رتبه	شاخص توسعه اقتصادی	نام کشور
۴۳	۰/۳۸	چین	۱	۰/۹۴	سوئیس
۴۴	۰/۳۷	جامائیکا	۲	۰/۹۳	سوئد
۴۵	۰/۳۶	مکزیک	۳	۰/۸۹	دانمارک
۴۶	۰/۳۵	هند	۴	۰/۸۶	فنلاند
۴۷	۰/۳۴	اندونزی	۵	۰/۸۵	سنگاپور
۴۸	۰/۳۴	غنا	۶	۰/۸۴	هلند
۴۹	۰/۳۳	پرو	۷	۰/۸۲	نروژ
۵۰	۰/۳۳	ال سالوادور	۸	۰/۸۱	اتریش
۵۱	۰/۳۳	سنگال	۹	۰/۸۱	ژاپن
۵۲	۰/۳۱	کلمبیا	۱۰	۰/۸۰	آلمان
۵۳	۰/۳۰	گواتمالا	۱۱	۰/۸۰	ایسلند
۵۴	۰/۳۰	بلغارستان	۱۲	۰/۷۹	انگلستان
۵۵	۰/۲۹	زامبیا	۱۳	۰/۷۸	کانادا
۵۶	۰/۲۹	هندوراس	۱۴	۰/۷۸	فرانسه
۵۷	۰/۲۹	کنیا	۱۵	۰/۷۷	بلژیک
۵۸	۰/۲۸	رومانی	۱۶	۰/۷۵	استرالیا
۵۹	۰/۲۸	مصر	۱۷	۰/۷۴	ایالات متحده آمریکا
۶۰	۰/۲۸	آرژانتین	۱۸	۰/۷۱	ایرلند
۶۱	۰/۲۷	کامبوج	۱۹	۰/۶۲	ستونیا
۶۲	۰/۲۶	جمهوری دمیونیکان	۲۰	۰/۶۰	شیلی
۶۳	۰/۲۶	فیلیپین	۲۱	۰/۵۹	پرتغال
۶۴	۰/۲۵	اوکراین	۲۲	۰/۵۸	مالزی
۶۵	۰/۲۵	تانزانیا	۲۳	۰/۵۸	اسپانیا
۶۶	۰/۲۵	موزامبیک	۲۴	۰/۵۳	اسلونی
۶۷	۰/۲۴	اوگاندا	۲۵	۰/۵۲	اروگوئه
۶۸	۰/۲۳	مغولستان	۲۶	۰/۵۱	جمهوری چک
۶۹	۰/۲۳	مدوا	۲۷	۰/۴۹	لیتوانی
۷۰	۰/۲۲	مالی	۲۸	۰/۴۸	مجارستان

رتبه	شاخص توسعه اقتصادی	نام کشور	رتبه	شاخص توسعه اقتصادی	نام کشور
۷۱	۰/۲۲	روسیه	۲۹	۰/۴۶	تونس
۷۲	۰/۲۲	ایران	۳۰	۰/۴۶	کاستاریکا
۷۳	۰/۲۱	سوریه	۳۱	۰/۴۵	آفریقای جنوبی
۷۴	۰/۲۱	اکوادور	۳۲	۰/۴۵	لهستان
۷۵	۰/۲۰	بولیوی	۳۳	۰/۴۴	ایتالیا
۷۶	۰/۲۰	پاکستان	۳۴	۰/۴۴	نامیبیا
۷۷	۰/۱۹	کامرون	۳۵	۰/۴۴	لتونی
۷۸	۰/۱۸	بنگلادش	۳۶	۰/۴۴	اسلواکی
۷۹	۰/۱۸	نیکاراگوئه	۳۷	۰/۴۴	اردن
۸۰	۰/۱۷	پاراگوئه	۳۸	۰/۴۴	کرواسی
۸۱	۰/۱۵	نیپال	۳۹	۰/۴۲	پاناما
۸۲	۰/۱۲	ونزوئلا	۴۰	۰/۴۱	ترکیه
			۴۱	۰/۴۱	برزیل
			۴۲	۰/۴۰	یونان

* رتبه توسعه اقتصادی کشورها با استفاده از روش تاکسونومی عددی، بر مبنای ترکیب پنج شاخص توسعه، یعنی "تولید سرانه"، "نوآوری‌های فنی"، "اثربخشی نهادهای دولتی"، "کیفیت سیاست‌های توسعه"، "ثبات سیاسی و اجتماعی" و با استفاده از منابع اطلاعاتی "شاخص حکمرانی جهانی"، "نظرسنجی گالوپ"، "موسسه لگاتوم"، "شاخص توسعه جهانی" و "مجمع اقتصاد جهانی" برآورد شده است. برای اطلاعات بیشتر به پیوست ۲ مراجعه شود.

یافته‌های پژوهش

با توجه به شاخص انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی برآورد شده در ۸۲ کشور مورد بررسی، مشاهده می‌شود که کشورهای با انسجام اجتماعی بیشتر، از رتبه بالاتر در توسعه اقتصادی برخوردارند. همبستگی میان انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی، برابر با ۰/۷۹ برآورد شده است که در سطح بحرانی ۰/۱۰ معنادار است (نمودار ۱).



ضریب همبستگی در سطح ۰.۰۱ معنادار است.

منبع: بر مبنای شاخص انسجام اجتماعی و شاخص توسعه اقتصادی محاسبه شده در بخش ۴-۲ و ۴-۳ ترسیم شده است.

به منظور تخمین شدت اثربخشی انسجام اجتماعی بر میزان توسعه اقتصادی، اثر شاخص انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی با استفاده از مدل فوآ (۲۰۱۱) و با روش رگرسیون داده‌های مقطعی برآورد می‌شود:

$$\log(DD) = f[\log(SC), \log(HC), \log(GOVT), \log(OPEN)] + \varepsilon$$

که در آن $\log(DD)$ = لگاریتم توسعه اقتصادی (محاسبه شده در بخش ۴-۳)، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی (محاسبه شده در بخش ۴-۲)، $\log(HC)$ = لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه)^۱، $\log(GOVT)$ = لگاریتم نوع دولت (درجه دموکراسی بودن کشور)^۲، و $\log(OPEN)$ = لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد (برابر با مجموع نسبت صادرات و واردات و ورود و خروج سرمایه به تولید ناخالص داخلی)^۳ است.

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، تمام ضرایب برآورد شده، علامت مورد انتظار را

۱. منبع اطلاعاتی: World Development Indicator

۲. منبع اطلاعاتی: Legatum Prosperity Index

۳. منبع اطلاعاتی: IMF data Bank

دارند. ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۲/۰۶ درصد افزایش (کاهش) در میزان توسعه اقتصادی می‌گردد. ضریب متغیر سرمایه انسانی $\log(HC)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰/۴۴ درصد افزایش (کاهش) در میزان توسعه اقتصادی می‌گردد. ضریب متغیر نوع دولت $\log(GOVT)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در میزان توسعه اقتصادی می‌گردد. در نهایت، ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد $\log(OPEN)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، موجب ۰/۱۰ درصد افزایش (کاهش) در میزان توسعه اقتصادی می‌گردد.

جدول (۳): برآورد اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی با روش رگرسیون مقطعی در سال ۲۰۱۰

متغیر	ضریب	آماره t (احتمال)
C	-2.50	(0.008) - 2.71
$\log(SC)$	2.06	(0.000) 7.22
$\log(HC)$	0.44	(0.004) 2.93
$\log(GOVT)$	0.30	(0.000) 4.72
$\log(OPEN)$	0.10	(0.135) 1.51
$R^2 = 0.64$		$DW = 2.18$

اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی با روش رگرسیون داده‌های مقطعی در سال ۲۰۱۰ تخمین زده شده است. برای مشاهده متغیر انسجام اجتماعی و رتبه‌بندی توسعه اقتصادی، به پیوست ۱ و ۲ مراجعه شود.

بدین ترتیب، برآورد رگرسیون مقطعی در سال ۲۰۱۰، بیانگر اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر میزان توسعه اقتصادی کشورهاست که در حقیقت، ضرورت تقویت و ایجاد بافت اجتماعی منسجم - که در آن تار و پود جامعه از طریق توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی به هم پیوند یابد - را برای دستیابی به توسعه اقتصادی مورد تأیید قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در بسیاری از متون اقتصاد نهادی و پژوهش‌های تجربی انجام شده درباره شکست کشورهای فقیر در فرایند پیشبرد اهداف توسعه‌ای، از زاویه شکست دولت‌ها در تأمین سازوکارهای معتبر از قبیل تأمین حقوق مالکیت و کنترل فساد و لزوم ایجاد نهادهای مناسب برای عملکرد موفق بازار، به موضوع توجه شده است. در مقاله حاضر، زاویه دید خود را به نوع دیگری از شکست نهادی معطوف کردیم: آرایش نهادی یک جامعه، اغلب نتیجه تعارض‌ها و تضادهای راهبردی و عدم انسجام اجتماعی میان افراد و گروه‌های متفاوت اجتماعی است که مانع بازآرایی نهادهای کشور، به شیوه‌ای مؤثر در فرایند توسعه اقتصادی می‌شود. در حقیقت مداخله ناکارآمد دولت در اقتصادهای مذکور، خود ناشی از عدم انسجام اجتماعی در این کشورهاست. دولت برای اجرای سیاست‌ها به اعتماد مردم و انسجام اقشار و گروه‌های مختلف نیاز دارد، به‌ویژه اینکه این سیاست‌ها برگرفته از تعاریف و خواست‌های مردمی در اقشار و طبقات مختلف است و برای خود آن‌ها تدوین و اجرا می‌شود. بر این اساس، انسجام اجتماعی، تضمین اجرای درست و مؤثر برنامه‌های راهبردی دولت‌ها است. انسجام اجتماعی نشان می‌دهد که افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند، به قوانین موجود احترام می‌گذارند و تصمیم‌های راهبردی دولت، همواره به صورت پیش‌فرض، برگرفته از ذهن مردم و تجلی یافته در باورها و نهادهای مردمی است که چنین وضعیتی، توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها را به آحاد جامعه ایجاب می‌کند.

انسجام اجتماعی در هر جامعه، هم حاصل اقدامات و تصمیم‌های سیاستی جوامع در یک یا چند حوزه است و هم کیفیت و چگونگی اقدامات و تنظیمات سیاستی در هر جامعه‌ای، برخاسته از میزان انسجام اجتماعی در آن جامعه است. از این‌رو، در بررسی انسجام اجتماعی و فرایند تغییر آن در هر جامعه‌ای، توجه به وابستگی متقابل همه متغیرها در کل فرایند تغییرات که ناشی از وجود علل چرخه‌ای در نظام اجتماعی است، ضرورت دارد. در عین حال، ماهیت آن به‌گونه‌ای است که حول محور انسان، تعاملات و رفتارهای فردی و جمعی انسان، متمرکز است که تحت کنش و واکنش متقابل با یکدیگر در طول زمان قرار دارد. بنابراین، ماهیت موضوع پژوهش به‌گونه‌ای است که در معادلات خطی نمی‌گنجد و مدل معرفی شده در مقاله حاضر، فقط تجریدی از واقعیت است.

بدین ترتیب، با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات و داده‌های کمی درباره فرایند تجمعی تغییر و تحول انسجام اجتماعی در جوامع، و نیز ملاحظات روش‌شناختی، در پژوهش حاضر با استناد به

آخرین داده‌های کمی منتشر شده، فقط ارائه تصویر و برشی از وضعیت انسجام اجتماعی و نیز آزمون تجربی اثر انسجام اجتماعی بر درجه توسعه اقتصادی ۸۲ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه در سال ۲۰۱۰ انجام شده است. نتایج بیانگر اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی است که ضرورت تقویت و ایجاد بافت اجتماعی منسجم - که در آن تار و پود جامعه از طریق توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی، به هم پیوند یابد - را برای دستیابی به توسعه اقتصادی مورد تأیید قرار می‌دهد.

منابع

الف) فارسی

- حسینی، امیرحسین، زهرا (میلا) علمی و محمود شارع‌پور (۱۳۸۶). رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان کشور. *رفاه اجتماعی*، ۷(۲۶)، ۵۹-۸۴.
- سوری، علی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. *تحقیقات اقتصادی*، ۶۹، ۸۷-۱۰۸.
- عطار، سعید (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دست‌یابی به توسعه. *سیاست*، ۳۹(۳۴)، ۱۲۹-۱۴۶.
- علمی زهرا، محمود شارع پور و سید امیرحسین حسینی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد. *تحقیقات اقتصادی*، ۷۱، ۲۹۶-۲۳۹.
- متوسلی محمود، سید محمدعلی حسین‌زاده و علی نیکونسیتی (۱۳۸۷). بررسی علل تغییرات اجتماعی از نگاه نورث، ویلیامسون، گریف و لاکلو وموف. *جستارهای اقتصادی*، ۱۰، ۳۹-۶۷.

ب) انگلیسی

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, A. (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. *American Economic Review*, 91, 1369-1401.
- Algan, Y., & Cahuc, P. (2007). Social Attitudes and Economic Development: An Epidemiological Approach. IZA Discussion Paper, 2935.

- Avramov, D. (2002). People, Demography, and Social Exclusion, Strasbourg, Belgium: Council of European Publishing.
- Bardhan, P. (1989). The New Institutional Economics and Development Theory; A Brief Critical Assessment. *World Development*, 17(9), 1389-1395.
- Berger-Schmitt, R. (2000). Social Cohesion as an Aspect of the Quality of Societies: Concept and Measurement. Center for Survey Research and Methodology (ZUMA). EU Reporting Working Paper, 14.
- Bernner, R. (1976). Agrarian Class Structure and Economic Development in Pre-Industrial Europe. Past and Present. Cambridge University Press.
- Chan, J., Chan, E., & To, B.H. (2003). Reconsidering Social Cohesion Developing a Definition and Analytical Framework for Policy Research: University of HongKong. Department of Politics and Public Administration.
- Chun, Natali (2010). Middle Class Size in the Past, Present, and Future: A Description of Trends in Asia. ADB Economics Working Paper Series, 217.
- Coase, R. H. (1992). The Institutional Structure of Production. *American Economic Review*, 82(4): 713-720.
- Cope, B. (1995). Immigration, Ethnic Conflicts and Social Cohesion, Sydney, AUS: NLLIA Centre for Workplace Communication and Culture.
- Dicks, P., Valentova, M. & Borsenberger, M. (2011). A Multi Dimensional Assessment of Social Cohesion in 47 European Countries. CPES Instead Working Paper, 07.
- Easterly, W. (2006). Social Cohesion, Institution and Growth. Center of Global Development Working Paper, 94.
- Eric, K.B. (2011). Inequality, Trust and Sustainability, Stockholm Environment Institute. MPRA Working Paper (33288).
- Ferroni, M., Mercedes, M. & Mark, P. (2008). Development under Conditions of Inequality and Distrust: Social Cohesion in Latin America. International Food Policy Research Institute. Discussion Paper, 00777.
- Foa, R. (2011). The Economic Rational for Social Cohesion; A Cross Country Evidence. Harvard University.
- Gallup World Poll. <https://worldview.gallup.com/>
- Greif, A. (2006). Institution and the Path to the Modern Economy; Lessons from Medieval Trade. Cambridge University Press.
- Human Development Reports (HDR). <http://hdr.undp.org/en/data/explorer/>.
- Jensen, J. (1998). Mapping Social Cohesion The State of Canadian Research, Strategic Research and Analysis Directorate: Department of Canadian Heritage, Ottawa.
- Legatum Institute. (2011). Legatum Prosperity Index. Revisited from <http://www.prosperity.com/prosperiscope/>
- Maloutas, T. & Pantelidou, M. (2004). The glass menagerie of urban governance and social cohesion: Concepts and stakes/concepts as stakes. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28 (2): 49-65.
- Meier, G. M. (2001). The Old Generation of Development Economists and the New in: *Frontiers of development economics; The Future in Perspective*. Oxford University Press.
- Meier, G. M. (2005). Biography of a subject: An Evolution of Development Economics.

- Oxford University Press.
- Myrdal, G. (1974). What Is Development. *Journal Of Economic Issue*, 8(4):729-736.
- Myrdal, G. (1978). Institutional Economics. *Journal of Economic Issue*, 12(4): 771-783.
- North, D. C., Joseph, J.W. & Barry, R. (2009). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*. Cambridge University Press.
- North D. C. (2005). *Understanding the Process of Economic Change*. Princeton University Press.
- O'Connor, P. (1998). Mapping Social Cohesion, Canadian Policy Research Networks. CPRN Discussion Paper,1.
- Oxoby, R. J.(2009). Understanding Social Inclusion, Social Cohesion and Social Capital. Department of Economics. University of Calgary. Economic Research Paper,9.
- Reimer, B. & Wilkinson, D. (2003). Understanding Social Cohesion: Its Nature and Manifestations in Rural Canada. Presentation to the Rural Sociological Society, Montreal, Quebec, July 27.
- Rodrik, D. (1999). Where Did All Growth Go?" External Shocks, Social Conflicts and Growth Collapses. *Journal of Economic Growth*, 4(4): 385-412.
- Sen, A. (1985). *Commodities and Capabilities*. Amsterdam: North Holland. (1999). *Development as Freedom*. Oxford: Oxford University Press.
- Shirely, M. (2008). *Institutions and Development*. Cheltenham, UK and Northampton, MA: Edward Elgar.
- Thomas, V., Wang, Y. & Fan, X. (2001). Measuring education inequality; Gini coefficient of education. World Bank Institute, Policy Research Working Paper, 2525.
- Tóth, I. G. (2011). Income Distribution, Social Cohesion and Value Structure. *Public Finance Focus*, 26: 254-287.
- Turok, I. (2006). The Connection Between Social Cohesion and City Competitiveness. *Human Settlement and Development*, 1, 208-214.
- Woolcock, M. (2011). What Distinctive Contribution Can Social Cohesion Make to Development Theory, Research and Policy? World Bank, OECD Conference, Paris.
- World Development Indicator (WDI). Revisited from <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>
- World Economic Forum.The Global Competitiveness Report. Revisited from <http://gcr.weforum.org/gcr2011/>
- World Health Organization. Department of Violence & Injury Prevention & Disability. Revisited From http://www.who.int/violence_injury_prevention/road_traffic/en/
- World Wide Governance Indicator. (WGI). Revisited from <http://databank.worldbank.org/ddp/home.do?Step=1&id=4>

پیوست‌ها

پیوست (۱): انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها

رتبه	نام کشور	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی	اعتماد به نهادهای دولتی	اعتماد به دیگران	پایبندی به قانون	برابری در توزیع فرصت‌ها	شیوع فقر (معکوس شده)	ضریب جینی درآمد (معکوس شده)	ضریب جینی تحصیلات (معکوس شده)	اندازه طبقه متوسط
۱	نروژ	۰.۷۹	۰.۸۳	۰.۸۱	۰.۷۴	۰.۷۹	۰.۷۵	۰.۸۸	۰.۷۴	۰.۸۱	۰.۵۵
۲	دانمارک	۰.۷۴	۰.۸۱	۰.۸۶	۰.۶۲	۰.۷۷	۰.۶۸	۰.۸۷	۰.۷۵	۰.۵۲	۰.۵۶
۳	سوئد	۰.۷۲	۰.۷۳	۰.۷۱	۰.۵۶	۰.۷۸	۰.۷۲	۰.۸۷	۰.۷۵	۰.۷۲	۰.۵۴
۴	فنلاند	۰.۷۱	۰.۷۳	۰.۶۹	۰.۵۹	۰.۷۶	۰.۶۸	۰.۸۶	۰.۷۳	۰.۵۸	۰.۵۴
۵	هلند	۰.۷۰	۰.۶۸	۰.۶۵	۰.۴۷	۰.۷۹	۰.۷۳	۰.۹۳	۰.۷۱	۰.۷۱	۰.۵۷
۶	سنگاپور	۰.۷۰	۰.۷۴	۰.۹۱	۰.۳۳	۰.۷۳	۰.۶۷	۱.۰۰	۰.۵۲	۰.۵۶	۰.۶۱
۷	استرالیا	۰.۷۰	۰.۶۷	۰.۶۳	۰.۴۶	۰.۷۶	۰.۷۳	۰.۸۸	۰.۶۶	۰.۷۹	۰.۵۷
۸	کانادا	۰.۶۹	۰.۶۵	۰.۶۲	۰.۴۲	۰.۷۶	۰.۷۲	۰.۸۹	۰.۶۷	۰.۷۷	۰.۵۵
۹	سوئیس	۰.۶۸	۰.۷۲	۰.۷۸	۰.۴۵	۰.۷۲	۰.۶۴	۰.۸۵	۰.۶۶	۰.۵۲	۰.۵۳
۱۰	ایرلند	۰.۶۷	۰.۶۳	۰.۶۵	۰.۳۰	۰.۷۸	۰.۷۲	۰.۹۰	۰.۷۱	۰.۷۲	۰.۵۵
۱۱	ژاپن	۰.۶۷	۰.۶۶	۰.۶۹	۰.۳۴	۰.۷۳	۰.۶۸	۰.۸۴	۰.۶۷	۰.۶۷	۰.۵۴
۱۲	آلمان	۰.۶۶	۰.۶۲	۰.۶۱	۰.۳۲	۰.۷۵	۰.۷۰	۰.۸۵	۰.۷۲	۰.۶۷	۰.۵۶
۱۳	انگلستان	۰.۶۵	۰.۶۵	۰.۶۴	۰.۳۶	۰.۷۱	۰.۶۵	۰.۸۳	۰.۶۶	۰.۶۰	۰.۵۳
۱۴	اتریش	۰.۶۵	۰.۶۵	۰.۷۲	۰.۳۰	۰.۷۵	۰.۶۴	۰.۸۵	۰.۷۴	۰.۵۲	۰.۴۷
۱۵	چین ایالات	۰.۶۵	۰.۶۹	۰.۷۶	۰.۶۰	۰.۷۴	۰.۶۱	۰.۸۳	۰.۵۹	۰.۵۸	۰.۴۷
۱۶	متحده آمریکا	۰.۶۴	۰.۶۱	۰.۵۷	۰.۳۷	۰.۷۱	۰.۶۷	۰.۸۳	۰.۶۳	۰.۷۶	۰.۴۷
۱۷	ایسلند	۰.۶۴	۰.۶۱	۰.۴۸	۰.۴۱	۰.۷۶	۰.۶۷	۰.۹۰	۰.۷۰	۰.۵۵	۰.۵۵
۱۸	فرانسه	۰.۶۳	۰.۵۷	۰.۵۷	۰.۲۰	۰.۷۶	۰.۷۰	۰.۸۷	۰.۷۱	۰.۶۹	۰.۵۵
۱۹	لهستان	۰.۶۳	۰.۵۹	۰.۵۸	۰.۲۵	۰.۷۲	۰.۶۷	۰.۸۳	۰.۶۶	۰.۶۷	۰.۵۰
۲۰	استونیا	۰.۶۳	۰.۵۸	۰.۵۰	۰.۳۴	۰.۷۱	۰.۶۷	۰.۸۰	۰.۶۴	۰.۷۶	۰.۵۰
۲۱	بلژیک	۰.۶۲	۰.۵۶	۰.۴۷	۰.۳۱	۰.۷۳	۰.۶۸	۰.۸۵	۰.۶۷	۰.۶۳	۰.۵۶
۲۲	مالزی	۰.۶۲	۰.۵۸	۰.۷۳	۰.۱۴	۰.۷۲	۰.۶۵	۰.۹۶	۰.۵۴	۰.۶۵	۰.۴۴

پیوست (۱): انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها

رتبه	نام کشور	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی	اعتماد به نهادهای دولتی	اعتماد به دیگران	پایبندی به قانون	برابری در توزیع فرصت‌ها	شیوع فقر (معکوس شده)	ضریب جینی درآمد (معکوس شده)	ضریب جینی تحصیلات (معکوس شده)	اندازه طبقه متوسط
۲۳	جمهوری چک	۰.۶۱	۰.۴۹	۰.۳۴	۰.۲۵	۰.۸۰	۰.۷۳	۰.۹۱	۰.۷۴	۰.۷۱	۰.۵۶
۲۴	مجارستان	۰.۶۱	۰.۵۱	۰.۴۸	۰.۱۳	۰.۷۷	۰.۷۱	۰.۸۸	۰.۷۳	۰.۷۱	۰.۵۲
۲۵	اردن	۰.۶۰	۰.۵۵	۰.۷۰	۰.۱۰	۰.۷۲	۰.۶۵	۰.۸۷	۰.۶۵	۰.۶۲	۰.۴۹
۲۶	اوکراین	۰.۶۰	۰.۴۶	۰.۱۹	۰.۳۱	۰.۸۱	۰.۷۳	۰.۹۷	۰.۷۴	۰.۶۹	۰.۵۴
۲۷	هند	۰.۵۹	۰.۶۲	۰.۷۸	۰.۲۱	۰.۶۲	۰.۵۷	۰.۶۳	۰.۶۷	۰.۴۹	۰.۴۹
۲۸	ایتالیا	۰.۵۹	۰.۵۲	۰.۴۳	۰.۲۱	۰.۷۱	۰.۶۶	۰.۸۲	۰.۶۴	۰.۶۸	۰.۵۲
۲۹	اروگوئه	۰.۵۹	۰.۵۸	۰.۶۰	۰.۲۸	۰.۶۵	۰.۶۰	۰.۸۱	۰.۵۵	۰.۶۰	۰.۴۴
۳۰	اسپانیا	۰.۵۹	۰.۵۲	۰.۴۳	۰.۲۲	۰.۷۰	۰.۶۵	۰.۸۱	۰.۶۵	۰.۶۳	۰.۵۲
۳۱	اسلواکی	۰.۵۸	۰.۴۷	۰.۳۰	۰.۲۱	۰.۷۸	۰.۷۰	۰.۸۹	۰.۷۴	۰.۶۲	۰.۵۴
۳۲	مصر	۰.۵۸	۰.۴۹	۰.۵۰	۰.۱۸	۰.۷۱	۰.۶۶	۰.۷۸	۰.۶۹	۰.۶۷	۰.۵۰
۳۳	ترکیه	۰.۵۸	۰.۵۴	۰.۶۳	۰.۰۸	۰.۶۸	۰.۶۱	۰.۸۲	۰.۶۱	۰.۵۳	۰.۴۹
۳۴	بنگلادش	۰.۵۷	۰.۵۸	۰.۷۰	۰.۱۵	۰.۶۴	۰.۵۷	۰.۶۹	۰.۶۸	۰.۴۲	۰.۵۰
۳۵	نیپال	۰.۵۷	۰.۵۷	۰.۶۵	۰.۱۷	۰.۶۶	۰.۵۷	۰.۷۵	۰.۶۷	۰.۳۷	۰.۵۰
۳۶	غنا	۰.۵۷	۰.۵۵	۰.۶۸	۰.۲۰	۰.۶۳	۰.۵۹	۰.۷۲	۰.۵۷	۰.۶۲	۰.۴۶
۳۷	جامائیکا	۰.۵۷	۰.۵۱	۰.۴۱	۰.۲۲	۰.۶۹	۰.۶۳	۰.۹۰	۰.۵۴	۰.۶۵	۰.۴۳
۳۸	روسیه	۰.۵۷	۰.۴۹	۰.۳۵	۰.۲۵	۰.۷۱	۰.۶۵	۰.۸۹	۰.۶۰	۰.۶۳	۰.۴۶
۳۹	مِلداوی	۰.۵۷	۰.۴۶	۰.۳۸	۰.۱۳	۰.۷۱	۰.۶۷	۰.۷۸	۰.۶۷	۰.۷۳	۰.۵۱
۴۰	سوریه	۰.۵۷	۰.۵۰	۰.۵۶	۰.۱۰	۰.۷۲	۰.۶۴	۰.۸۸	۰.۶۴	۰.۵۵	۰.۴۸
۴۱	رومانی	۰.۵۷	۰.۴۴	۰.۲۷	۰.۱۵	۰.۷۵	۰.۶۹	۰.۸۶	۰.۷۰	۰.۶۸	۰.۵۳
۴۲	پاکستان	۰.۵۷	۰.۵۵	۰.۶۰	۰.۲۲	۰.۶۸	۰.۵۸	۰.۷۸	۰.۷۰	۰.۳۳	۰.۵۰
۴۳	تونس	۰.۵۶	۰.۵۱	۰.۵۷	۰.۱۵	۰.۷۲	۰.۶۲	۰.۹۶	۰.۵۹	۰.۴۶	۰.۴۶
۴۴	اندونزی	۰.۵۶	۰.۵۱	۰.۴۲	۰.۲۱	۰.۷۱	۰.۶۱	۰.۸۷	۰.۶۶	۰.۴۲	۰.۴۹
۴۵	فیلیپین	۰.۵۶	۰.۵۳	۰.۵۷	۰.۱۴	۰.۶۳	۰.۵۹	۰.۷۴	۰.۵۷	۰.۶۱	۰.۴۴
۴۶	پرتغال	۰.۵۶	۰.۵۱	۰.۳۲	۰.۲۸	۰.۶۹	۰.۶۲	۰.۸۲	۰.۶۵	۰.۴۹	۰.۵۰
۴۷	کرواسی	۰.۵۶	۰.۴۹	۰.۳۲	۰.۲۲	۰.۷۰	۰.۶۲	۰.۸۲	۰.۶۶	۰.۵۱	۰.۵۰

پیوست (۱): انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها

رتبه	نام کشور	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی	اعتماد به نهادهای دولتی	اعتماد به دیگران	پایبندی به قانون	برابری در توزیع فرصت‌ها	شیوع فقر (معکوس شده)	ضریب جینی درآمد (معکوس شده)	ضریب جینی تحصیلات (معکوس شده)	اندازه طبقه متوسط
۴۸	مالی	۰.۵۶	۰.۶۵	۰.۶۶	۰.۴۵	۰.۵۳	۰.۴۶	۰.۵۳	۰.۶۱	۰.۱۹	۰.۵۱
۴۹	آفریقای جنوبی	۰.۵۵	۰.۵۷	۰.۷۲	۰.۱۷	۰.۵۶	۰.۵۳	۰.۷۷	۰.۳۷	۰.۷۱	۰.۲۹
۵۰	یونان	۰.۵۵	۰.۴۷	۰.۳۴	۰.۱۶	۰.۷۰	۰.۶۴	۰.۸۰	۰.۶۶	۰.۵۵	۰.۵۴
۵۱	اسلوونی	۰.۵۵	۰.۴۶	۰.۳۴	۰.۱۵	۰.۷۷	۰.۶۴	۰.۸۹	۰.۷۷	۰.۳۹	۰.۵۲
۵۲	تانزانیا	۰.۵۵	۰.۵۲	۰.۵۹	۰.۲۶	۰.۶۲	۰.۵۸	۰.۶۷	۰.۶۲	۰.۵۴	۰.۴۸
۵۳	بلغارستان	۰.۵۵	۰.۴۳	۰.۱۷	۰.۲۱	۰.۷۶	۰.۶۶	۰.۸۹	۰.۷۲	۰.۴۸	۰.۵۵
۵۴	لتونی	۰.۵۴	۰.۴۴	۰.۳۲	۰.۱۳	۰.۶۸	۰.۶۵	۰.۷۴	۰.۶۴	۰.۷۳	۰.۵۰
۵۵	لیتوانی	۰.۵۴	۰.۴۴	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۶۹	۰.۶۴	۰.۷۹	۰.۶۲	۰.۶۶	۰.۴۹
۵۶	ونزوئلا	۰.۵۴	۰.۵۱	۰.۶۰	۰.۱۳	۰.۶۱	۰.۵۶	۰.۷۲	۰.۵۵	۰.۵۰	۰.۴۶
۵۷	ایران	۰.۵۳	۰.۴۹	۰.۵۸	۰.۱۱	۰.۶۵	۰.۵۸	۰.۸۲	۰.۵۶	۰.۴۶	۰.۴۸
۵۸	آرژانتین	۰.۵۳	۰.۴۶	۰.۳۱	۰.۲۳	۰.۶۸	۰.۶۱	۰.۸۸	۰.۵۴	۰.۵۵	۰.۴۶
۵۹	سنگال	۰.۵۳	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۲۸	۰.۵۴	۰.۵۱	۰.۴۹	۰.۶۱	۰.۴۷	۰.۴۸
۶۰	شیلی	۰.۵۲	۰.۴۶	۰.۳۶	۰.۱۵	۰.۶۴	۰.۵۹	۰.۸۵	۰.۴۸	۰.۶۴	۰.۳۸
۶۱	برزیل	۰.۵۲	۰.۵۰	۰.۴۹	۰.۱۵	۰.۵۹	۰.۵۴	۰.۷۹	۰.۴۵	۰.۵۵	۰.۳۹
۶۲	کاستاریکا	۰.۵۲	۰.۴۹	۰.۴۸	۰.۱۴	۰.۶۰	۰.۵۵	۰.۷۶	۰.۴۹	۰.۵۶	۰.۴۰
۶۳	کامبوج	۰.۵۲	۰.۵۱	۰.۵۷	۰.۰۹	۰.۶۰	۰.۵۳	۰.۷۰	۰.۵۶	۰.۴۶	۰.۴۲
۶۴	اوگاندا	۰.۵۲	۰.۴۷	۰.۴۹	۰.۱۷	۰.۶۳	۰.۵۷	۰.۷۶	۰.۵۶	۰.۵۳	۰.۴۳
۶۵	مغولستان	۰.۵۲	۰.۴۳	۰.۳۲	۰.۱۴	۰.۶۳	۰.۶۱	۰.۶۵	۰.۶۳	۰.۶۶	۰.۴۹
۶۶	پاناما	۰.۵۱	۰.۴۹	۰.۳۶	۰.۲۱	۰.۵۶	۰.۵۳	۰.۶۷	۰.۴۸	۰.۵۵	۰.۴۰
۶۷	زامبیا	۰.۵۱	۰.۵۷	۰.۵۸	۰.۳۲	۰.۴۴	۰.۴۵	۰.۴۱	۰.۴۵	۰.۵۵	۰.۳۷
۶۸	نامیبیا	۰.۵۰	۰.۵۷	۰.۷۸	۰.۱۳	۰.۴۷	۰.۴۴	۰.۶۲	۰.۳۶	۰.۵۰	۰.۲۸
۶۹	جمهوری دمیینیکان	۰.۵۰	۰.۴۵	۰.۳۴	۰.۱۶	۰.۵۸	۰.۵۵	۰.۶۶	۰.۵۳	۰.۵۸	۰.۴۳
۷۰	مکزیک	۰.۵۰	۰.۴۹	۰.۳۴	۰.۲۹	۰.۵۰	۰.۵۱	۰.۴۹	۰.۵۲	۰.۶۱	۰.۴۲
۷۱	کامرون	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۴۳	۰.۱۳	۰.۵۸	۰.۵۳	۰.۶۰	۰.۶۱	۰.۴۴	۰.۴۷

پیوست (۱): انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توزیع فرصت‌ها

رتبه	نام کشور	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی	اعتماد به نهادهای دولتی	اعتماد به دیگران	پایبندی به قانون	برابری در توزیع فرصت‌ها	شیوع فقر (معکوس شده)	ضریب جینی درآمد (معکوس شده)	ضریب جینی تحصیلات (معکوس شده)	اندازه طبقه متوسط
۷۲	ال سالوادور	۰.۴۹	۰.۴۵	۰.۳۴	۰.۱۸	۰.۵۵	۰.۵۲	۰.۶۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۴۳
۷۳	پرو	۰.۴۸	۰.۳۶	۰.۱۸	۰.۱۲	۰.۶۰	۰.۶۱	۰.۶۹	۰.۵۲	۰.۷۹	۰.۴۴
۷۴	پاراگوئه	۰.۴۷	۰.۴۲	۰.۳۴	۰.۱۲	۰.۵۵	۰.۵۳	۰.۶۵	۰.۴۸	۰.۵۸	۰.۴۰
۷۵	نیکاراگوئه	۰.۴۷	۰.۴۴	۰.۳۷	۰.۱۱	۰.۵۰	۰.۴۹	۰.۵۴	۰.۴۸	۰.۴۹	۰.۴۷
۷۶	کلمبیا	۰.۴۶	۰.۴۴	۰.۳۵	۰.۱۴	۰.۵۲	۰.۴۸	۰.۶۳	۰.۴۴	۰.۴۷	۰.۳۷
۷۷	کنیا	۰.۴۶	۰.۴۰	۰.۳۲	۰.۱۰	۰.۵۳	۰.۵۱	۰.۵۴	۰.۵۲	۰.۵۷	۰.۴۲
۷۸	گواتمالا	۰.۴۴	۰.۴۵	۰.۳۷	۰.۱۵	۰.۴۶	۰.۴۴	۰.۴۹	۰.۴۴	۰.۴۷	۰.۳۷
۷۹	اکوادور	۰.۴۴	۰.۳۷	۰.۲۲	۰.۰۹	۰.۵۶	۰.۵۱	۰.۶۷	۰.۵۱	۰.۴۶	۰.۴۲
۸۰	هندوراس	۰.۴۴	۰.۴۵	۰.۳۴	۰.۱۳	۰.۴۲	۰.۴۳	۰.۴۰	۰.۴۳	۰.۵۲	۰.۳۸
۸۱	موزامبیک	۰.۴۳	۰.۴۵	۰.۵۴	۰.۰۹	۰.۴۷	۰.۴۱	۰.۴۵	۰.۵۴	۰.۲۰	۰.۴۳
۸۲	بولیوی	۰.۴۲	۰.۳۸	۰.۲۵	۰.۱۰	۰.۴۲	۰.۴۵	۰.۴۰	۰.۴۳	۰.۶۱	۰.۳۶

پیوست (۲): شاخص توسعه اقتصادی و مؤلفه‌های آن

رتبه	نام کشور	درجه توسعه اقتصادی	تولید سرانه	نوآوری‌های فنی	اثربخشی نهادهای دولتی	کیفیت سیاست‌های توسعه	ثبات سیاسی و اجتماعی
۱	سوئیس	۰.۹۴	۳۷۶۶۲.۸	۰.۸۶	۰.۸۹	۰.۸۶	۰.۷۴
۲	سوئد	۰.۹۳	۳۲۲۹۲.۵	۰.۸۸	۰.۸۷	۰.۹۰	۰.۷۲
۳	دانمارک	۰.۸۹	۳۰۵۳۲.۳	۰.۸۰	۰.۹۱	۰.۹۰	۰.۷۰
۴	فنلاند	۰.۸۶	۲۲۸۷۸.۵	۰.۸۲	۰.۹۱	۰.۸۸	۰.۷۸
۵	سنگاپور	۰.۸۵	۳۲۵۳۷.۸	۰.۷۶	۰.۹۱	۰.۹۰	۰.۷۲
۶	هلند	۰.۸۴	۲۶۵۵۱.۸	۰.۷۹	۰.۸۵	۰.۸۴	۰.۶۹
۷	نروژ	۰.۸۲	۳۹۹۷۲.۴	۰.۷۸	۰.۷۷	۰.۸۴	۰.۷۶
۸	اتریش	۰.۸۱	۲۶۶۹۳.۰	۰.۷۸	۰.۸۶	۰.۷۵	۰.۷۲

پیوست (۲): شاخص توسعه اقتصادی و مؤلفه‌های آن

رتبه	نام کشور	درجه توسعه اقتصادی	تولید سرانه	نوآوری‌های فنی	اثربخشی نهادهای دولتی	کیفیت سیاست‌های توسعه	ثبات سیاسی و اجتماعی
۹	ژاپن	۰.۸۱	۳۹۳۰۹.۵	۰.۸۳	۰.۷۷	۰.۷۳	۰.۶۷
۱۰	آلمان	۰.۸۰	۲۵۳۰۶.۲	۰.۸۰	۰.۸۳	۰.۷۷	۰.۶۶
۱۱	ایسلند	۰.۸۰	۳۳۹۴۵.۳	۰.۷۷	۰.۸۰	۰.۷۷	۰.۷۰
۱۲	انگلستان	۰.۷۹	۲۸۰۳۳.۵	۰.۷۸	۰.۸۱	۰.۷۶	۰.۵۸
۱۳	کانادا	۰.۷۸	۲۵۵۷۵.۴	۰.۷۳	۰.۸۵	۰.۸۱	۰.۶۹
۱۴	فرانسه	۰.۷۸	۲۷۱۱۰.۷	۰.۷۹	۰.۸۳	۰.۷۱	۰.۶۴
۱۵	بلژیک	۰.۷۷	۲۴۴۹۶.۰	۰.۷۸	۰.۸۰	۰.۷۲	۰.۶۶
۱۶	استرالیا	۰.۷۵	۲۵۲۵۰.۰	۰.۷۱	۰.۸۰	۰.۸۰	۰.۶۶
۱۷	ایالات محده آمریکا	۰.۷۴	۳۷۴۹۱.۲	۰.۷۹	۰.۷۸	۰.۶۴	۰.۵۶
۱۸	ایرلند	۰.۷۱	۲۷۵۹۵.۱	۰.۷۰	۰.۷۳	۰.۷۶	۰.۷۰
۱۹	استونیا	۰.۶۲	۶۲۳۸.۵	۰.۶۷	۰.۷۶	۰.۶۶	۰.۶۳
۲۰	شیلی	۰.۶۰	۶۳۳۴.۱	۰.۶۴	۰.۷۶	۰.۷۲	۰.۶۲
۲۱	پرتغال	۰.۵۹	۱۱۷۴۴.۸	۰.۷۰	۰.۷۴	۰.۵۷	۰.۶۴
۲۲	مالزی	۰.۵۸	۵۱۸۴.۷	۰.۷۱	۰.۷۰	۰.۵۸	۰.۵۳
۲۳	اسپانیا	۰.۵۸	۱۵۴۶۱.۸	۰.۶۵	۰.۷۵	۰.۵۷	۰.۴۶
۲۴	اسلوونی	۰.۵۳	۱۲۷۲۹.۵	۰.۶۱	۰.۶۹	۰.۵۳	۰.۶۶
۲۵	اروگوئه	۰.۵۲	۹۲۸۴.۵	۰.۵۷	۰.۵۹	۰.۶۹	۰.۶۸
۲۶	جمهوری چک	۰.۵۱	۷۳۸۱.۳	۰.۶۷	۰.۷۴	۰.۴۰	۰.۶۹
۲۷	لیتوانی	۰.۴۹	۵۲۷۸.۲	۰.۶۳	۰.۶۷	۰.۴۶	۰.۶۳
۲۸	مجارستان	۰.۴۸	۵۶۳۴.۰	۰.۶۲	۰.۶۶	۰.۴۳	۰.۶۴
۲۹	تونس	۰.۴۶	۳۱۶۴.۹	۰.۶۰	۰.۵۷	۰.۵۴	۰.۵۲
۳۰	کاستاریکا	۰.۴۶	۵۱۸۹.۰	۰.۶۰	۰.۵۳	۰.۵۴	۰.۶۳
۳۱	آفریقای جنوبی	۰.۴۵	۳۷۴۵.۳	۰.۶۴	۰.۵۸	۰.۴۵	۰.۴۹
۳۲	لهستان	۰.۴۵	۶۵۷۵.۷	۰.۵۳	۰.۶۰	۰.۵۴	۰.۷۰

پیوست (۲): شاخص توسعه اقتصادی و مؤلفه‌های آن

رتبه	نام کشور	درجه توسعه اقتصادی	تولید سرانه	نوآوری‌های فنی	اثربخشی نهادهای دولتی	کیفیت سیاست‌های توسعه	ثبات سیاسی و اجتماعی
۳۳	ایتالیا	۰.۴۴	۱۸۹۸۲.۳	۰.۵۸	۰.۵۹	۰.۴۲	۰.۵۹
۳۴	نامیبیا	۰.۴۴	۲۶۶۶.۹	۰.۵۶	۰.۵۹	۰.۵۲	۰.۶۵
۳۵	لتونی	۰.۴۴	۵۰۰۲.۵	۰.۵۶	۰.۶۴	۰.۴۶	۰.۶۰
۳۶	اسلواکی	۰.۴۴	۸۴۴۵.۵	۰.۵۹	۰.۶۴	۰.۴۰	۰.۷۰
۳۷	اردن	۰.۴۴	۲۵۳۴.۰	۰.۵۹	۰.۵۸	۰.۵۲	۰.۴۵
۳۸	کرواسی	۰.۴۴	۶۳۲۹.۷	۰.۵۷	۰.۶۴	۰.۴۲	۰.۶۲
۳۹	پاناما	۰.۴۲	۵۹۰۰.۹	۰.۶۴	۰.۵۷	۰.۴۰	۰.۵۰
۴۰	ترکیه	۰.۴۱	۵۳۴۸.۶	۰.۵۸	۰.۶۲	۰.۴۴	۰.۳۰
۴۱	برزیل	۰.۴۱	۴۶۹۹.۴	۰.۶۳	۰.۴۹	۰.۴۰	۰.۵۱
۴۲	یونان	۰.۴۰	۱۳۵۷۷.۹	۰.۵۴	۰.۶۰	۰.۴۰	۰.۴۸
۴۳	چین	۰.۳۸	۲۴۲۵.۵	۰.۵۷	۰.۵۰	۰.۴۶	۰.۳۵
۴۴	جامائیکا	۰.۳۷	۳۶۶۴.۹	۰.۵۷	۰.۵۴	۰.۴۰	۰.۴۲
۴۵	مکزیک	۰.۳۶	۶۱۰۵.۳	۰.۵۶	۰.۵۴	۰.۳۷	۰.۳۴
۴۶	هند	۰.۳۵	۸۲۲.۸	۰.۶۳	۰.۴۶	۰.۳۹	۰.۲۴
۴۷	اندونزی	۰.۳۴	۱۱۴۳.۸	۰.۵۹	۰.۴۵	۰.۴۰	۰.۳۲
۴۸	غنا	۰.۳۴	۳۵۷.۶	۰.۴۹	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۵۱
۴۹	پرو	۰.۳۳	۳۱۸۰.۴	۰.۵۵	۰.۴۹	۰.۳۹	۰.۳۳
۵۰	ال سالوادور	۰.۳۳	۲۵۵۷.۴	۰.۵۰	۰.۵۶	۰.۳۶	۰.۵۱
۵۱	سنگال	۰.۳۳	۵۶۰.۶	۰.۵۹	۰.۴۳	۰.۳۶	۰.۴۲
۵۲	کلمبیا	۰.۳۱	۳۲۳۶.۶	۰.۵۴	۰.۵۱	۰.۳۵	۰.۲۰
۵۳	گواتمالا	۰.۳۰	۱۸۶۰.۸	۰.۵۹	۰.۴۸	۰.۲۹	۰.۳۴
۵۴	بلغارستان	۰.۳۰	۲۵۴۶.۴	۰.۴۷	۰.۴۹	۰.۳۸	۰.۵۸
۵۵	زامبیا	۰.۲۹	۴۳۲.۲	۰.۵۰	۰.۳۹	۰.۳۹	۰.۶۰
۵۶	هندوراس	۰.۲۹	۱۳۹۲.۳	۰.۵۲	۰.۴۳	۰.۳۴	۰.۳۹
۵۷	کنیا	۰.۲۹	۴۶۷.۵	۰.۵۷	۰.۴۵	۰.۳۱	۰.۲۶
۵۸	رومانی	۰.۲۸	۲۶۳۶.۳	۰.۴۷	۰.۴۴	۰.۳۹	۰.۵۵

پیوست (۲): شاخص توسعه اقتصادی و مؤلفه‌های آن

رتبه	نام کشور	درجه توسعه اقتصادی	تولید سرانه	نوآوری‌های فنی	اثربخشی نهادهای دولتی	کیفیت سیاست‌های توسعه	ثبات سیاسی و اجتماعی
۵۹	مصر	۰.۲۸	۱۹۷۵.۶	۰.۴۸	۰.۴۵	۰.۳۸	۰.۳۲
۶۰	آرژانتین	۰.۲۸	۱۰۷۴۹.۳	۰.۵۱	۰.۴۱	۰.۲۹	۰.۵۰
۶۱	کامبوج	۰.۲۷	۵۵۸.۰	۰.۵۱	۰.۴۲	۰.۳۶	۰.۳۸
۶۲	جمهوری دمیونیکان	۰.۲۶	۴۰۴۹.۰	۰.۵۳	۰.۴۱	۰.۲۶	۰.۵۰
۶۳	فیلیپین	۰.۲۶	۱۳۸۳.۴	۰.۵۵	۰.۴۴	۰.۲۹	۰.۱۹
۶۴	اوکراین	۰.۲۵	۱۰۳۶.۸	۰.۵۲	۰.۴۲	۰.۲۸	۰.۴۸
۶۵	تانزانیا	۰.۲۵	۴۵۶.۱	۰.۴۵	۰.۳۹	۰.۳۹	۰.۵۰
۶۶	موزامبیک	۰.۲۵	۳۸۹.۸	۰.۴۵	۰.۳۹	۰.۳۴	۰.۵۶
۶۷	اوگاندا	۰.۲۴	۳۷۷.۴	۰.۴۸	۰.۴۳	۰.۳۰	۰.۲۸
۶۸	مغولستان	۰.۲۳	۷۷۲.۹	۰.۴۷	۰.۳۶	۰.۳۱	۰.۶۰
۶۹	مِلداوی	۰.۲۳	۵۹۵.۹	۰.۴۴	۰.۴۱	۰.۳۴	۰.۴۲
۷۰	مالی	۰.۲۲	۲۶۹.۹	۰.۴۴	۰.۳۹	۰.۳۴	۰.۴۵
۷۱	روسیه	۰.۲۲	۲۹۲۳.۱	۰.۴۷	۰.۴۲	۰.۲۸	۰.۳۲
۷۲	ایران	۰.۲۲	۲۱۶۱.۵	۰.۴۶	۰.۳۶	۰.۴۰	۰.۱۹
۷۳	سوریه	۰.۲۱	۱۵۲۵.۸	۰.۴۲	۰.۴۰	۰.۳۳	۰.۳۴
۷۴	اکوادور	۰.۲۱	۱۷۲۸.۱	۰.۴۶	۰.۳۶	۰.۳۰	۰.۳۷
۷۵	بولیوی	۰.۲۰	۱۲۳۲.۷	۰.۴۰	۰.۳۸	۰.۳۶	۰.۴۲
۷۶	پاکستان	۰.۲۰	۶۶۸.۵	۰.۵۱	۰.۳۸	۰.۳۲	۰.۰۰
۷۷	کامرون	۰.۱۹	۷۰۹.۵	۰.۴۲	۰.۳۴	۰.۳۱	۰.۳۸
۷۸	بنگلادش	۰.۱۸	۵۵۸.۱	۰.۴۶	۰.۳۲	۰.۳۱	۰.۲۲
۷۹	نیکاراگوئه	۰.۱۸	۹۴۸.۵	۰.۴۲	۰.۳۶	۰.۲۹	۰.۳۸
۸۰	پاراگوئه	۰.۱۷	۱۶۲۱.۰	۰.۴۴	۰.۳۳	۰.۲۸	۰.۳۲
۸۱	نیپال	۰.۱۵	۲۶۸.۳	۰.۴۲	۰.۳۳	۰.۳۲	۰.۱۶
۸۲	ونزوئلا	۰.۱۲	۵۵۲۸.۴	۰.۴۵	۰.۲۷	۰.۲۰	۰.۲۳